

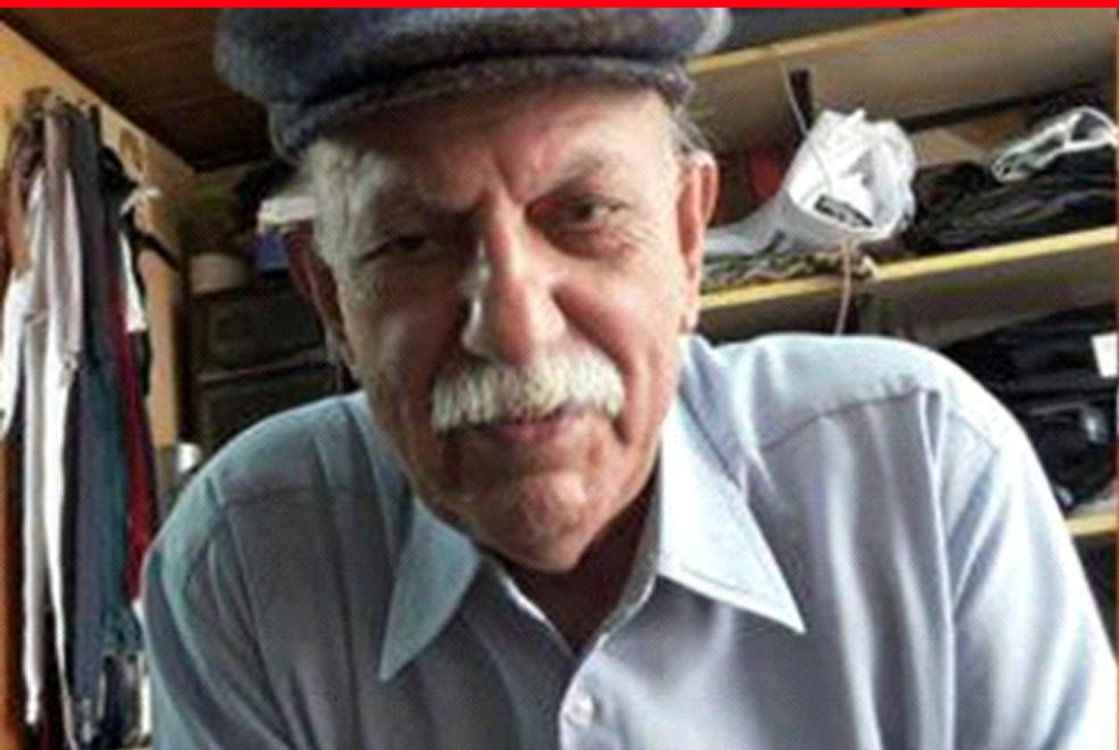
پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۹۱ / سال هشتم / مردادماه ۹۹ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



پیکرها بر خاک، آرمان ها برپاست!



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۹۱ مردادماه ۱۳۹۹ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۴

از حقمان نمی گذریم! ص ۳۰

در حاشیه تظاهرات ۲۵ تیرماه ۹۹ ص ۳۲

وضعیت درمان در صندوق بازنشستگان آینده ساز ص ۳۶

تامین لاستیک و قطعات مورد نیاز کامیون داران ص ۳۷

عادی سازی مرگ! ص ۳۸

چگونه یک فرزانه زیلابی باشیم؟! ص ۴۰

این روزهای صنعت کفش در ایران! ص ۴۳

۸ صبح تا ۸ شب: ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان ص ۴۴

فونبالیست کوچولو ص ۴۶

شعور ۴۸

تلخ و شیرین های کاریم عاشقی! ص ۵۱

دانستی های سندیکایی نوشته حسین سمنانی ص ۵۲

اهمیت تقویت جنبش کارگری و سندیکایی (۲) ص ۵۳

سندیکا سنگر زحمتکشان! ص ۵۴

در سنامه (۳) ص ۵۵

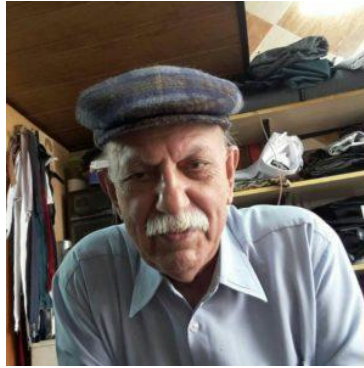
برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

=کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

مراجعه کنید



درد آتش را، چه می‌داند کسی

او جهانی بود اندر، خود نهان

چند و چون خویش به داند جهان

بس که نقش آرزو، در جان گرفت

خود، جهان آرزو گشت آن شگفت

رضا فراهانی کنگرانی عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط تهران امروز بر اثر سکته قلبی درگذشت. کارگری که از نوجوانی طعم تلخ اختلاف طبقاتی را درک کرد اما از آن ماتم نساخت و تلاش کرد در طول عمر خود بیاموزد و آموخته هایش را در خدمت طبقه کارگر بگذارد. کارگران جوانی که به دنبال سندیکاخواهی بودند در هیات موسسان سندیکا‌های کارگری از او بسیار آموختند. او برای بهبودی وضعیت طبقه خویش تا آخرین لحظه تلاش می‌کرد و جزو مشاوران سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران بود.

شاید دیگر در میان ما نباشد و لبخندهایش و مشورت های روشنگرانه اش را از دست داده باشیم اما تلاش کارگری او و آموزه هایش همچنان در لحظه لحظه مبارزات کارگرمیان با ماست. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ۱۰ مرداد ۱۳۹۹

اعتصاب در پروژه های نفتی!

به نام خدا
طرح سوم - تخلیه - سراسری - پروژه ها
لیست قطعی و نهایی حقوق نیروهای اکیب پایینگ

✓ تست من - ۷ تومان ✓ تکزن - ۵/۵۰۰ ✓ کمکتی - ۲۴/۵۰۰ تومان ✓ داریسبتند - ۱۰ تومان ✓ مونتاژ کار - ۱۰ تومان ✓ استراکچر کار - ۱۰ تومان ✓ انبار دار - ۶ تومان ✓ سرپرست کبوس - ۱۰ تومان ✓ کارمند کبوسکی - ۶/۵۰۰ ✓ سرپرست دفتر فنی - ۱۲ تومان ✓ کارمند دفتر فنی - ۷ تومان ✓ امور اداری - ۷ تومان ✓ افسر ایمنی - ۶ تومان	✓ اورهال - روزی ۱ میلیون ✓ برق آرگون استنلس - کاپر - ریر گیر ۱۲ تومان ✓ الواسیتل المنت ۱۱ تومان ✓ برق آرگون گرین ۱۰ تومان ✓ فول استنلس ۱۰ تومان ✓ فول گرین ۸/۵۰۰ تومان ✓ ۶۰/۱۰ شصت سه سربالا - ۱۰ تومان ✓ پشت آرگون - ۸ تومان ✓ پلپ عکسی مخزن - ۸ تومان ✓ جوش ساپورت چکشی ۷ تومان ✓ فینتر ۹ تومان ✓ برشکار ۷ تومان
--	--

توجه: به خواست تمامی نیروهای کمپین دوم را تبدیل به کمپین سوم تخلیه سراسر پروژه ها در روز شنبه کردیم
لعنت نامه: لعنت خداوند پدر و مادر آنکس و خود آن شخص اعم از نیروها فورن ها و سرپرست های کارگاه که روز در
شنبه همه پروژه های شمال از تبریز و ارومیه تا جنوب عسلویه بندرشم لامرد آبادان ماهشهر جفیراواز بوشهر و پالایشگاه
اصفهان را تخلیه نکنند و جلوی تخلیه سراسری را بگیرد دوستک اندازی نکنند و لعنت خداوند بر آنکس و بر پدر
و مادرش که در حق نیروها خیانت بکند و بجای نیروها پرود سرکار خائنین رادر کمپین چهارم منتشر خواهیم کرد
اهداف کمپین

۱۱ تاریخ ۱۳۹۹/۵/۳۰ هیچکس حق ورود به مناطق پروژه ای ندارد تا زمان موافقت
پیمانکاران و کارفرمایان با شرایط کامل کمپین روز جمعه رو کار کنید و بلیت بگیرید برای حرکت روز شنبه صبح
به امید خدا

۲ در فصل گرما شش ماه اول پایه حقوقی از ۲۴/۲۰ به ۱۰/۲۰ روز تغییر داده شود

۳ حذف بندهای غیرقانونی قرارداد مثل کمتر از پانزده روز کار کردن و تسویه عدم پرداخت حقوقی و همچنین حذف
این بندها قرارداد غیرقانونی در صورت اعتصاب نیرو قبول میکنند پولی دریافت نکنند و اخراج و بلک لیست بشود

۴ پرچیدن سرویس های بدون کولر

۵ پرداخت بیمه با عنوان شغلی و نه به عنوان کارگر ساده

۶ پرداخت سایر مزایا به صورت جداگانه از پایه حقوق

۷ پیمانکاران و کارفرمایان این متن کمپین را خواهند دید و نیازی به ماندن و صحبت کردن شما عزیزان نیست و همه
نیروها شنبه صبح حرکت به سمت شهر و خانه هایشان

فقط ۲۰ روز دوام بیاورید با بیکاری تا اول برج ۶۰ التماس شمارا خواهند کرد و بایقوبل همه شرایط و تا اول برج ۶
هیچکس حق ارسال اکهی در گروه را ندارد لعنت شده است

آن پیمانکار منصف و باوجدان باشرف هم طبق نرخ لیست قطعی کمپین سو قیمت ها را آنالیز میکنند
و قراردادهاشون را آپدیت کنند و نه اینکه از حق نیرو و بزند تهیه و تنظیم توسط مدیریت گروه پایینگ و اکیب
پروژه ای نمایندگان حقوقی نیروهای پروژه ای

پیج اینستاگرام
@piping_va_ekipe_porojeh

با توجه به شیدادی شرکت ها و همدست آنها با پیمانکاران دغلباز برای پایین آوردن دستمزدها در پروژه های نفتی، کارگران پروژه ای در اقدامی هماهنگ روز شنبه ۱۱ مرداد را روز اعتصاب اعلام کرده و سرکار نخواهند رفت. همچنین لیست حقوقی که باید شرکت ها و پیمانکاران به آن عمل کرده و حقوقی پایین تر از آن به کارگر ندهند را منتشر نموده اند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن پشتیبانی از این خواست کارگران پروژه ای اعلام می دارد با تمام قوا در حمایت از این کارگران از آنچه در توان دارد کوتاهی نخواهد کرد.
سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۸ مرداد ۱۳۹۹

همگی ما ، کارگر هفت تپه ایم، همبسته ایم همبسته ایم!



چهل روز از اعتصاب پر توان کارگران نیشکر هفت تپه گذشت. کارگرانی که در دفاع از معیشت خود و حقوق های عقب افتاده و بیرون کردن مدیران اختلاسگر و بازگشت مجتمع نیشکر هفت تپه به روال قبل از خصوصی سازی اعتصاب کرده اند. چهل روز است که هم زمان با محاکمه مدیران بی عرضه و فاسد، کارگران هفت تپه نیز به اعتصاب خود ادامه داده اند. چهل روزی که معلوم گشته چه مدیران فاسدی را دولت برای این مجتمع کشاورزی بی نظیر در خاورمیانه انتخاب کرده است.

اما چرا صدای کارگران اعتصابی هفت تپه به عمد شنیده نمی شود؟ چرا مسئولین استانی و کشوری هیچ اقدامی برای کم کردن مشکلات این کارگران به ویژه پرداخت دستمزد و حق بیمه ی عقب افتاده ی آنها نمی کنند؟ از گرسنگی دادن به خانواده های برادران هفت تپه ای ما چه منظوری را دنبال می کنند؟

این بی‌اعتنایی ۲ پیام در دل خود دارد:

۱- به حق بودن خواسته‌های کارگران اعتصابی که هیچ جوابی برایش ندارند

۲- فرسایشی کردن موضوع اعتصاب تا کارگران خسته شده به خانه‌هایشان بازگردند

در این بین کارگران با هوشیاری اجازه ندادند تا عوامل تفرقه افکن، اتحاد کارگران را بر هم زنند و همچنین چون فصل آبیاری مزارع نیشکر است کارگران سموم و دفع آفات و آبیاری در عین همبستگی با برادران خود وظایف‌شان را به نحو احسن برای زنده نگه داشتن مجتمع هفت تپه بکار می‌برند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران همچنان که از روز اول با این اعتصاب همراه و حامی اعتصاب و خواسته‌هایش بود و به ویژه در روز ۲۵ تیرماه در تجمع بازنشستگان در سالن سازمان تامین اجتماعی درود خود را بر شرف کارگران هفت تپه ای با صدایی بلند نثار کرد، امروز نیز همچنان پشتیبان برادران و خانواده‌های کارگری هفت تپه ای بوده و از همه امکانات خود برای پیروزی این اعتصاب و نایل شدن کارگران هفت تپه ای به خواست اصلی‌شان که لغو خصوصی سازی است دریغ نمی‌کند.

گسترده تر باد همبستگی کارگری

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۳ مرداد ۱۳۹۹

چهل و ششمین روز اعتصاب هفت تپه

چهل و ششمین روز اعتصاب کارگران هفت تپه صبح امروز پنجشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۹ با حضور تعداد زیادی از کارگران شرکت در مقابل فرمانداری برگزار شد. بعد از تجمع در مقابل فرمانداری، کارگران در داخل شهر راهپیمایی کردند. در این تجمع کارگران اعلام کردند تا رسیدن به مطالبات و از جمله خلع ید بخش خصوصی به اعتراض و اعتصاب ادامه خواهند داد.

مهم ترین مطالبات کارگران در این اعتصاب به قرار زیر است:

✓پرداخت فوری حقوق های معوقه و تمدید دفترچه بیمه

✓بازگشت به کار فوری برای همکاران اخراج شده

✓بازداشت فوری اسد بیگی و مجازات حبس ابد برای اسدبیگی- رستمی

✓خلع ید فوری کارفرمای اختلاسگر و بخش خصوصی از هفت تپه

✓بازگرداندن فوری ثروت های اختلاس شده به کارگران

✓پایان کار مدیران بازنشسته

همچنین بعدازظهر امروز تعدادی از کارگران بعد از اینکه اطلاع یافتند که کارفرما برای خروج ماشین های مایلرشرکت و فروش آنها اقدام کرده است با تجمع در مقابل درب ترابری از خروج وسائل جلوگیری کردند. حسین انصاری، یوسف بهمنی، منصور اکبری، محسن فضلی، حاج فریدونی، سجاد احمدی، خدایی و حمید ممبینی حضور داشتند

پیام همکار- انتشار: کانال مستقل کارگران هفت تپه

نامه سرگشاده سوم به دکتر حسن روحانی!

با توجه به نامه ارسالی ۲۰ فروردین سال جاری و دادن هشدارهای لازم به مجموعه دولت، متأسفانه پیش بینی های ما به وقوع پیوست و مرگ روزانه در هر ۷ دقیقه یک هموطن را رقم زد، که به معنای عادی سازی مرگ است.

مناطق ترک نشین و کردنشین و سیستان و بلوچستان و خوزستان از مدتها پیش در وضعیت قرمز قرار گرفته اند. ما ۳ ماه پیش برای شما چنین نوشتیم:

«ما از شما می خواهیم تا دیر نشده رویکرد دولت به سمت قرنطینه کامل یا شهر به شهر به مدت ۳۰ روز برده شود تا در زمان و هزینه کمتر انسانی این بلا از سر مردم دردمند ما کم شود لذا بدین وسیله از شما می خواهیم:

- ۱- همه فقرا و زحمتکشانی که منبع درآمدی ندارند بدون هیچ شرطی تا ۳ ماه آینده زیر پوشش بیمه بیکاری قرار گیرند. ۲- تمامی حقوق های عقب افتاده در سراسر کشور پرداخت شده و به روز گردد. ۳- لوازم بهداشتی از جمله ماسک، دستکش، الکل و مواد ضد عفونی کننده، بطور رایگان در اختیار همه قرار گیرد. ۴- ضد عفونی معابر و محلات تا درب خانه ها بطور جدی و بدون وقفه، توسط افراد آموزش دیده، انجام پذیرد. ۵- بی خانمان ها در گرمخانه ها و مساجد متمرکز شده تا از اشاعه بیماری جلوگیری شود. ۶- مراکز تولیدی، صنفی و ادارات توسط اداره بهداشت، بازرسی های بهداشتی دقیق و جامع بشوند تا کم کاری صورت نگیرد. ۷- همه زندانیان آزاد شوند. می توان با دستبند های الکترونیکی آنان را کنترل نمود. ۸- پرستاران و کادر درمانی بیشتری به کار گرفته شود تا جان این قهرمانان وطن به دلیل کار شبانه روزی به خطر نیفتد و تلفات کادر درمانی متوقف شود. مراکز درمانی هنوز هم به ۱۰ هزار کادر درمانی دیگر نیازمندند. می توان با دعوت از همه بازنشسته های این رشته کادر درمان را یاری داد. ۹- حقوق کادرهای درمانی و کارگرانی که در کارخانه های فرآورده های بهداشتی به سختی کار می کنند، نه تنها هیچگونه عقب افتادگی نداشته باشد بلکه با پاداش های مناسب و در خور، گوشه کوچکی از این فداکاری ها جبران شود. ۱۰- مبارزه بی امان با بازار سیاه صورت گرفته

و سوداگران در دادگاههای علنی دادگاهی شوند. همچنین هرگونه افزایش قیمت کالاها باید متوقف گردد و این میسر نیست جز از طریق بازرسی جدی توسط بازرسان پاک دست و جدی گرفتن از سوی دولت ۱۱ - افزایش بی سابقه زباله های پلاستیکی و نایلکس خطرات زیست محیطی در آینده در بر خواهند داشت. از هم اکنون باید تدابیر جدی زیست محیطی از سوی مدیران شهری اتخاذ گردد تا در آینده موجب خسران نشویم»

متأسفانه رویکرد دولت شما خلاف این هشدارها بوده است.

۱ - از بیمه بیکاری بیماری کرونا برای کارگران بیکار شده، خبری نیست و هنوز پس از ۴ ماه یک نفر نیز دریافت نکرده است. حقوق های کارگران شاغل نه تنها به روز نشده بلکه حتا حقوق کادر پزشکی بیمارستانی نیز عقب افتاده است. ۲ - مواد ضد عفونی کننده و ماسک نه تنها رایگان نشدند بلکه در بازار سیاه گران تر هم فروخته می شوند. ۳ - ضد عفونی معابر و وسایل حمل و نقل عمومی متوقف شده است، و جان مردم هر روز بیشتر به خطر می افتد. تب سنجی ها در کارخانه های بزرگ و ورودی شهرها کنار گذاشته شده است. ۴ - بی خانمان ها همچنان این ویروس کذایی را به نقاط مختلف شهر منتقل می کنند. ۵ - بازرسی های بهداشتی متوقف شده اند و حتا در عسلویه نیز با همه هشدارباش های ما همچنان تعطیل اند. ۶ - زندانیان هرچه زودتر آزاد شوند تا عزیزان مردم به دلیل نبود امکانات نمیرند. ۷ - کادر درمانی نه تنها به لحاظ حقوقی مشکل دارند، بلکه در این هنگامه نبرد با کرونا قراردادهایشان ۸۹ روزه شده است تا امنیت شغلی و روانی شان به خطر بیفتد. شوربختانه نیروی انتظامی که زیر نظر وزیر کشور شماسست در مشهد آنان را مورد ضرب و شتم قرار داده اند. ۸ - بازار سیاه و کم فروشی هر روز به همراه موج گرانی و تورم با بیماری کرونا به دلیل نبود یک سیاست بازرسی سخت و باز گذاشتن دست سوداگران هر روز جیب نحیف مردم را خالی تر می کند. ۹ - زباله های ناشی از دستکش و ماسک های مصرف شده هر روز محیط زیست را آلوده تر کرده و شوربختانه هنوز از سوی مدیریت کلان پسماند، راهکاری برای جلوگیری از این آلودگی به مردم ارایه نشده است ۱۰ - از همه مهمتر

اینکه شما قول داده بودید که بیماران کرونایی رایگان درمان خواهند شد که متأسفانه چنین نیست و باید رایگان درمان شدن این بیماران ادامه یابد.

جناب آقای دکتر حسن روحانی!

می توان با جلو انداختن تعطیلات تابستانی کارگران بخش زیادی از مردم را در خانه قرنطینه کرد. آموزگاران هنوز در تعطیلات هستند و دانش آموزان در خانه بسر می برند. فقط کادر درمانی، نیروهای نظامی، و کارهایی که توقف ناپذیرند از جمله صدور نفت و کوره های فولاد... باید در این عملیات سختگیرانه مشغول کار شوند. می توان کرونا رامهار کرد اگر سیاست عادی سازی مرگ کنار گذاشته شود.

چنانچه در ۲۰ فروردین قرنطینه سخت گیرانه اعمال شده بود نه این تعداد هموطن جان می باخت و نه مجبور به دوباره خانه نشین کردن افراد می شدید. قبل از آنی که موج دیگری از عزیزان این مرز و بوم جان ببازند می توان دست به عمل زد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

جبهه متحد کرد

مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان

۲۲ تیرماه ۱۳۹۹

فراخوان

۲۵ تیر ماه روز تأمین اجتماعی است که در اصل ۲۹ قانون اساسی تأکید فراوانی روی آن شده است. با توجه به اینکه اقدامات سالهای گذشته نه تنها به نتیجه مطلوب نرسیده بلکه روز به روز وضعیت معیشت و درمان خانواده های کارگران ، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان بدتر نیز شده است.

لذا از همه ی کارگران و بازنشستگان دعوت می‌گردد ، جهت بزرگداشت این روز و اعتراض به وضعیت زیر خط فقر دستمزد ها و مستمری ها، عدم پوشش مناسب خدمات بیمه ای، عدم نظارت نمایندگان واقعی بیمه گذاران بر صندوق های تأمین اجتماعی، به روال سال‌های قبل روز ۲۵ تیر ماه ساعت ۹ صبح ضمن رعایت اصول بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی، حضور به هم رسانیم.

زنده باد همبستگی بازنشستگان با کارگران، معلمان، دانشجویان و دیگر زحمتکشان

بازنشستگان سندیکای فلزکار مکانیک

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی

۱۸ تیر ماه ۱۳۹۹

مرگ، شلاق و کار رایگان نتیجه اعتراض به گرسنگی!



سودجویی کارفرمای معادن منطقه سرتیتان گیلانغرب باعث مرگ یک کارگر و وخامت حال حال دو تن دیگر و مسمومیت ۶ کارگر را در پی داشت که احتمال محبوس شدن کارگران نیز وجود دارد. کارگران معدن در ایران از حداقل استانداردها و تجهیزات از جمله کپسول های اکسیژن و دستگاه های سنجش گاز در عمق معادن برخوردار نیستند و در کنار دستمزد پایین و عدم دریافت حق بیمه در غالب معادن خصوصی، همواره در معرض حوادثی چون انفجار، سقوط از ارتفاع، محبوس شدگی ناشی از مسدود شدن غارها و خطرناکترین بیماری ها قرار دارند که غالباً منجر به مرگ و یا ناتوانی طولانی مدت آنان می شود. این یک سوی روزگار کارگران است.

سوی دیگر روزگار کارگران، احکامی است که برای اعتراض به گرسنگی می گیرند. ۴۲ کارگر آذرابی به ۱ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق و یک ماه خدمت عمومی رایگان به مدت سه ساعت در روز در راه آهن شهرستان اراک محکوم شده اند. کارگران آذراب سال گذشته به خصوصی سازی شرکت و پرداخت نشدن چند ماه از دستمزدهای خود معترض بودند. طنز این حکم در

این است که گرسنه ای را به کار رایگان یکماهه محکوم کرده اند البته بعد از تحمل ۷۴ ضربه شلاق.

این تمام ماجرا نیست، جریمه ۵ میلیون تومانی برای کارگران در آق‌دره به دلیل تجمعات سال ۹۶ در معدن آق‌دره است؛ در حال حاضر این هفت نفری که متهم شده و مکلف به پرداخت جریمه شده‌اند، بیکارند و هیچ منبع درآمدی ندارند. این جریمه بابت شکایت مدعی‌العموم صادر شده است. یعنی بیکاری و گرسنگی به اضافه جریمه قاضی.

بیش از ۲۰ روز از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه می‌گذرد و کسی از مسئولین حال این کارگران را نمی‌پرسد. نماینده کارگران در دادگاه کارفرمای اختلاسگر شرکت می‌کند و حال روز کارگران را اعلام می‌کند. عوامل کارفرمای اختلاسگر برای نابودی هفت تپه مزارع هفت تپه را اجاره می‌دهند تا به خودی خود هفت تپه نابود شود. کارگر نیشکر هفت تپه ای آن قدر مسئولیت پذیر است و هفت تپه را مال خود می‌داند که بعد از آبیاری مزارع کارفرمای اختلاسگر برای سر دادن «گرسنه ایم گرسنه» در خیابان‌های شوش رژه می‌رود ولی خبری از هیچ مسوولی نیست که چرا تو گرسنه ای و فرزندات شیر خشک ندارد؟

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن همدردی با برادرانمان در معادن سرتیتان گیلانغرب و آق‌دره، همچنان از اعتراضات برادران کارگرش در هفت تپه حمایت کرده و حرکت غیرمسوولانه کارفرمای سرتیتان گیلانغرب و محکمه کارگران آق‌دره و سکوت معنادار مسوولین شوش را محکوم می‌کند. دوستان کارگر،

کارگران برادر هم هستند و نان و جان و کشورشان یکی است و دشمن خصوصی سازان و مافیای اختلاس‌گرند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۵ تیرماه ۱۳۹۹

اطلاعیه همبستگی کنفدراسیون جهانی اینداستریال با کارگران آذربایجان



دادگاه جنایی اراک ۴۲ کارگر آذربایجان را به یک سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق (و یک ماه کار اجباری) محکوم کرد. این کارگران به خاطر اعتراض به عدم پرداخت حقوق بعد از خصوصی‌سازی صنایع آذربایجان مورد مجازات قرار گرفته‌اند.

طبق حکم دادگاه کارگرانی که در تظاهرات شرکت کرده‌اند به اتهام برهم زدن نظم عمومی و توهین به مقامات مجرم شناخته شده‌اند. این حکم قابل تجدید نظر است.

در ضمن کارگران به خصوصی‌سازی و عدم پرداخت دستمزدها از مهرماه سال گذشته (۹۸) اعتراض داشتند. ورود اینداستریال به مناقشه زمانی بود که ۲۱ کارگر آذربایجان دستگیر شده بودند. از آنجایی که شرکت خصوصی شده است کارگران با کاهش مداوم و شدید دستمزدها و مزایای شغلی مواجه شده‌اند.

طی سالهای اخیر برخی از شرکتهای دولتی در ایران خصوصی شده‌اند، ولی

در حقیقت به دست افرادی از نزدیکان مقامات افتاده است. عضو (محلّی) اینداستریال، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران (UMMI) طی انتشار بیانیهای عاملان خصوصی سازی را به عنوان «اختلاسگران و باندهای جنایتکاری» متهم کرد که معیشت کارگران را هدف گرفته اند.

در این بیانیه آمده است: «معترضان متوقف نخواهند شد و خواسته های جنبش سندیکایی شکست نخواهد خورد».

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران به همراه رفقای خود، چه در هفت تپه، آذرباب، اراک، کرمان، و معادن عسلویه، یا در هر گوشه ای از ایران، خواستار توقف خصوصی سازی صنایع کشور و مجازات کارفرمایانی است که از پرداخت حقوق و مزایای شغلی کارگران طفره میروند.

معاون دبیر کل اینداستریال، کمال اوزاکان گفت:

یکبار دیگر کارگران در ایران به خاطر به پا خواستن برای حقوق اولیه خود مورد حمله وحشیانه قرار گرفتند. کارگران زندانی آذرباب باید فوراً آزاد شوند، همه اتهام ها باید لغو شود، و حقوق معوقه پرداخت گردد.

ما برای خاتمه دادن به بازداشت کارگران، فعالان عرصه کار، و اتحادیه های مستقل به تماسهایمان با حکومت جمهوری اسلامی ادامه خواهیم داد. همچنین ما به طور ویژه خواستار الغای مجازات غیر انسانی اعدام هستیم.

«آذرباب یک شرکت تولیدی بزرگ است که اجزای ساختاری برای نیروگاهها و پالایشگاهها می سازد. تولیدات اصلی آن عبارتند از: بویلرها، توربینها، و مخازن تحت فشار»

کنفدراسیون جهانی اینداستریال

۱۱ تیرماه ۱۳۹۹

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن

۱- بهداشت در ذوب آهن از حرف تا عمل!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مجید مکاری مدیر ایمنی و بهداشت و محیط زیست ذوب آهن می گوید: «به نفعات برتر ایمنی پاداش ۲ میلیونی می دهیم»

آقای مکاری قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دُنب خروس را؟ نمی خواهد ۲ میلیون پاداش به کسی بدهید لطفن وظیفه خود را درست انجام داده و نکات بهداشتی برای مقابله با بیماری کرونا را رعایت کنید:

- ۱ -ضدعفونی کردن سرویس های رفت و آمد کارکنان با هر نوبت بردن کارگران
 - ۲ -ضد عفونی کردن معابر عمومی
 - ۳ -ضد عفونی کردن سرویس های بهداشتی
 - ۴ -خرید به موقع ماسک و دستکش که کارگران همیشه داشته باشند
- مواد ضدعفونی کننده در دسترس کارگران و کارکنان باشد.

این در حالی است که ذوب آهن به لحاظ مالی وضعیت خوبی دارد و نصف محصولات تولیدیش را روانه بازارهای خارجی کرده با قیمت خوب می فروشد.

۲- مشکلات در کارگاه شمش فولادسازی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگاه شمش فولاد سازی دارای ۲ دستگاه آب سردکن می باشد که یک دستگاه آن خراب و یک دستگاه هم در حال تعمیر است. با توجه به گرمای موجود در این کارگاه، کارگران این قسمت تشنگی خود را چگونه باید رفع کنند؟ اما موضوع مهمتر، مدیریت بی عرضه و ناکارآمد این قسمت از ذوب آهن است که برای اینگونه موارد هیچ تدبیری نیندیشیده است و کارگران باید تشنه بمانند. یعنی در این شرکت عریض و طویل چارتی به عنوان تعمیر و نگهداری وجود ندارد تا به موقع تعمیرات لازم را انجام داده و یا آب سرد کن ذخیره ای برای این موارد جهت جایگزینی داشته باشد. آفرین باید گفت به این مدیریت!!!!

۳- کمبود نیرو در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از دیماه ۱۳۹۸ تا اول فروردین سال جاری ۲۱۰ نفر در ذوب آهن بازنشسته شدند. کارگران می پرسند با بازنشسته شدن این افراد در طول سال چه کسی باید کار این افراد را انجام بدهد؟ چرا مدیریت برای استخدام دست به کار نمی شود؟ تا به کی باید در کارخانه نورچشمی ها استخدام شوند؟ آیا نمی شود فرزندان همین بازنشسته ها در اولویت استخدام قرار گیرند؟ بی تردید کار این ۲۱۰ نفر بر دوش کارگران دیگر افتاده و باید فشارکاری مضاعفی را عهده دار شوند. با توجه به اینکه شرکت مجهز به سیستم های کامپیوتری و مدرن گشته است شاید در بخش اداری با مازاد کارمند روبرو باشیم که نیاز به استخدام نباشد اما با توجه به تولید بالایی که هر روزه هم افزایش می یابد بی تردید این کمبود نیرو جز پایین آمدن کیفیت کار و

فرسودگی زود هنگام کارگران و افزایش خطای انسانی نتیجه دیگری نخواهد داشت.

۴- کارخانه ذوب آهن ثروتمند است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، به گفته مدیرعامل کارخانه ذوب آهن «۵۰ درصد تولیدات این شرکت صادر می شود» و به همین خاطر ارز خوبی به صندوق مالی کارخانه ذوب آهن وارد می شود. وضعیت سهام در هلدینگ صدر تامین هم نشان از درآمدی ۱۰۰ درصدی دارد. تمامی کارخانه های فولاد سازی رشد درآمدی ۵۵ درصدی را داشته اند. پرسش اینجاست: چرا کارگران روغنکار مدیریت نورد ۳۰۰ از اسفند تاکنون سهمیه دستکش دریافت نکرده اند؟ چرا مشکلات اتاق فرمان نیروگاه حرارتی با تمام پیگیری های تکنسین ها، هنوز تامین نشده است؟ آیا سلامت کارگران باید دستخوش صرفه جویی های سودورزانه شما قرار گیرد؟

۵- کارگر ذوب آهنی را تحقیر نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیرعامل کارخانه ذوب آهن در دیدار با رییس کمیته امداد اعلام کرد: «در چارچوب قانون از نیازمندان حمایت می کنیم» آقای یزدی زاده مدیرعامل شرکت آیا خبر ندارد که سقف پوشش کمک هزینه سمک برای هر گوش بازنشستگان ذوب آهنی از ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان است؟؟ و کارگر مابقی این پول را چگونه باید تامین کند؟ آن هم گوشی که در کارخانه ذوب آهن ناشنوا گشته است. آیا ایشان نمی داند که سهم بیمه داندان پزشکی در قرارداد بیمه تکمیلی درمان دانا که تازه شامل ارتودنسی و ایمپلنت هم نیست فقط معادل ۳۰ درصد تعرفه ذوب آهن می باشد؟؟ ۹۰ درصد بازنشستگان ذوب آهنی دندان ندارند و به همین دلیل مشکل گوارشی و بیشتر اوقات سرطانه های گوناگون گوارشی دارند. آیا بهتر نیست نیازمندان ذوب آهنی را به جای نیازمندان کمیته امداد حمایت کرد؟ آیا نباید خرج بیماران صعب العلاج را که در ذوب آهن بیمار سرطانی شده اند را تامین کرد؟ **صفر علی بازنشسته ذوب آهن**

شرکت تعاونی مصرف ایران خودرو چرا تشکیل نمی شود؟



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بیش از یکسال از تعطیلی شرکت تعاونی مصرف می گذرد و مدیریت هیچ اقدامی برای بازگشایی آن نکرده و پیگیری کارگران هم به نتیجه ای نرسیده است. در این وانفسای گرانی و کرونا حال خانواده هایی که فرزندان دم بخت دارند باید آواره خیابانها شوند برای تهیه لوازم خانه برای فرزندان. در حالی تعاونی مصرف تعطیل شده است که سه تعاونی برای دادن وام همچنان فعالند و سقف وام های پرداختی شان هم هیچ سختی با گرانی ها ندارد.

سیاست هایی که تعاونی مصرف را می بندد تا تعاونی!!! وام بده فعال باشد، جز خرد کردن شخصیت کارگران، سرگردان کردن آنان و خانواده شان در بازار و دور کردن کارگر از پرداختن به معضلات خود است. در تعاونی مصرف کارگر با گردنی افراشته هرچه می خواست می خرید و همراه هم از حقوقش اقساط این خرید برداشته می شد.

۲- ایران خودرو و استخدام!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به اینکه هر ساله بیش از ۵۰۰ نفر در ایران خودرو بازنشسته میشوند ولی استخدام ها کمتر از تعداد مورد نیاز می باشد و کارگران باقیمانده در هر سالن و قسمت مجبورند کار بازنشسته شده ها را به دوش بکشند. امسال تعداد ۶۵۰ نفر از کارگرانی که فقط قانون سخت

و زیان آور مشمول آن می شود بازنشسته می شوند و بیش از ۲۰۰ نفر هم از قسمت های دیگر. به جای این بازنشستگان ایران خودرو قصد دارد فقط ۲۰۰ نفر را استخدام کند تا هم کارگران بیشتر متحمل زحمت شوند و هم در هزینه ها صرفه جویی شود نه در جان انسان ها!!!! این مایه گذاشتن از جان کارگران برای جیب مدیران شرکت نفع خوبی دارد و در آخر هر سال به دلیل این صرفه جویی!!! پاداش بیشتر خواهند گرفت.

۳- تولید لباس های ضدحریق در ایران خودرو امکان پذیر است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارشناسان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک معتقدند که با توجه به دارا بودن فن آوری نانو لوله ای در ایران خودرو، این شرکت می تواند لباس های ضد حریق را تولید کند. این نوع لباس ها در خطوط تولیدی ایران خودرو و به ویژه در سالن بدنه سازی احتیاج است که هم کیفیت خوبی دارد و هم اینکه کارگران را در مقابل جرقه ها و حریق احتمالی حفظ می کند. تولید اینگونه لباس ها باعث افزایش استخدام ها و درآمدزایی برای ایران خودرو را دارد. در حال حاضر کارگران بدنه سازی خواستار تهیه این نوع لباس ها برای سالن خود را به مدیریت اعلام کرده اند.

۴- کرونا و ایران خودرو

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با شیوع موج دوم کرونا در تهران و شهرک های اقماری آن تعداد مبتلایان به کرونا در شرکت ایران خودرو نیز افزایش یافته است. با آنکه رعایت موارد مقابله با کرونا سختگیرانه تر شده است اما همچنان عدم رعایت نکات زیر از سوی مدیریت مشاهده نمی شود: ۱- متوقف نمودن پذیرایی در رستوران که محیطی بسته است و با فاصله گذاری اجتماعی نیز نمی توان با سرایت بیماری کرونا مقابله کرد. می توان غذا را در محل کار و یا محوطه صرف نمود. ۲- اقدامات ویژه برای تشخیص چگونگی آلوده شدن سالن ها به کرونا. برای مثال در سالن رنگ که ۲۴۰ کارگر دارد تاکنون ۱۱ نفر مبتلا شده اند یعنی ۵ درصد شاغلین. چرایی این ابتلا ۳- کم کردن ساعات

کار و یا کارگران در هر سالن و هر شیفت ۴ -توقف سه شیفته کردن کار به ویژه در روزهای پنجشنبه و جمعه

۵- سختی کار معضل کارگران ایران خودرویی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، حذف سختی کار و یا اعمال نکردن آن موجب مشکلاتی در هنگام بازنشستگی کارگران ایران خودرویی به وجود می‌آورد. سختی کار وقتی به سالنی تعلق می‌گیرد باید همه کارکنانش را شامل شود. مثلاً سرگروه‌های خط تولید سختی کار شامل‌شان نمی‌شود و یا با یک بخشنامه، کارگر می‌شود کارمند و از سختی کارش می‌افتد. نادیده گرفتن ۳۰۰ کارگری که در سال ۸۵ تا ۸۸ با تغییر عنوان از کارگر به کارمند تغییر عنوان داده بودند با همان ماهیت کاری جز سرگردانی برای کارگر هیچ نتیجه نداشته است.

۶- بیمه تکمیلی کارگران ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بیمه تکمیلی که فقط درد را در خانواده‌های کارکنان بیشتر می‌کند. مدت‌هاست که برخی آزمایشگاههای بزرگ به ویژه در تهران همکاری خود را با بیمه تکمیلی کارگران ایران خودرو لغو کرده‌اند. متأسفانه مسئولین درمانی و بیمه تکمیلی شرکت هیچ تلاشی برای رفع این مشکل و همچنین جایگزین کردن آزمایشگاههای معتبر دیگری ننموده و خانواده‌های بسیاری را سرگردان گذاشته‌اند و هیچ جوابی هم برای این سوال ندارند.

به جفیر برای کار نروید!

متأسفانه به دلیل عدم آگاهی کارگران و همچنین روشنگری ضعیف طبقه کارگر در مورد پروژه ها و پیمانکاران دغکار، کارگران بعد از مدتها کار تازه متوجه می شوند که با چه شیادانی سروکار دارند. در جفیر از بیمه و مزایای کارگری خبری نیست و کارگری که در اینجا کار کند بخشی از پولش را نخواهند داد. برای مثال پیمانکاران آقای اوسیوند و آقای ملک محمدی برای تسویه حساب با کارگران جان می دهند اما پول نمی دهند. کارگرانی که برایشان کار کرده اند بعد از کلی درگیری و هربار کلی هزینه با کمک کلانتری و شکایت و درگیری بخشی از طلبشان را گرفتند. شب عید مساعده ۲۰۰ هزار تومانی به کارگری که چند ماه حقوقش عقب افتاده، دادند.

البته این در شرایطی است پیمانکاران در جفیر از شرکت مادر طلب هایشان را گرفته ولی پول کارگر را نمی دهند.

۲- خبرهایی از فاز دو پالایشگاه اصفهان به کارفرمایی شرکت odcc

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پالایشگاه اصفهان به کارفرمایی شرکت شرکتهای زیر مجموعه که مهمترین آنها پویا نصب و شرکت رگبی هستند پیمانکارانی بد حساب برای جلو بردن کارهای فاز ۲ پالایشگاه به خدمت گرفته شده اند از جمله فریدون لیموچی و مرادی. این چند شرکت هنوز حقوق اسفند کارگران را نداده اند و برای اینکه کارگران را از اعتراض روی گردان کنند با تهدید به بلک لیست کردن از کارگران کار مجانی با حقوق اندک می کشند. حتی مبالغی اندک مساعده هم به کارگر نمی دهند. از عیدی و مزایا هم خبری نیست. حقوق کمکی در قبال ۲۵ روز کار ۲ میلیون نیم و حقوق فیتز در قبال ۲۶ روز کار ۴ میلیون و ۲۰۰ و حقوق جوشکار برق آرگون در قبال ۲۶ روز ۵ میلیون تومان. با توجه به اینکه وضعیت کرونا در اصفهان قرمز اعلام شده در این شرکت ها بهداشت زیر صفر است حتا دریغ از یک ساعت استراحت و دریغ از یک مایع دستشویی.

۳- وضعیت کارگران در شرکت ساروج!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت ساروج به مدیرعاملی آقای مهدی تابش در کارخانه سیمان در بندر کنگان مشغول به کار است. این شرکت با بیش از ۲۰۰ کارگر روزی ۹ ساعت کار می کنند. روزهای پنجشنبه و جمعه شرکت تعطیل است. لیست بیمه و دریافتی کارگران سر موقع پرداخت می شود و کارگران از این موضوع نگرانی ندارند. اما طبقه بندی مشاغل صورت گرفته در این شرکت که مشاغلش جزو سخت و زیان آور هستند به هیچ وجه درست نیست و از زمانی که مدیرعامل عوض شده است اضافه کاری کارگران از ۱۵۰ ساعت به نصف تقلیل یافته که دریافتی کارگران را با این هزینه های سخت زندگی دشوار نموده است. در اجرا کردن طرح طبقه بندی کارگری که مستحق گروه ۱۲ است را به گروه ۱۰ آورده اند که مورد اعتراض کارگران است. همچنین تعطیلات تابستانی کارگران به دو بخش ۱۱ روزه کاهش یافته و ۸ روز را کارفرما به جیب می زند. این در حالی است که اگر کارگری از تعطیلاتش استفاده نکند این تعطیلات از دستش رفته است.

با آنکه تب سنجی در ورودیه کارخانه انجام می شود اما مکان ها ضد عفونی نشده و فقط آب و وایتکس را با هم قاطی کرده به دستگیره ها می زنند. هر سه روز یک ماسک به کارکنان داده می شود. خوابگاههای کوچک ۱۵ نفره برای کارگران در نظر گرفته شده که وضعیت بهداشتی خوبی ندارند.

۴- عدم رعایت موارد بهداشتی کرونا در شرکت پازارگاد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در شرکت عملیات غیرصنعتی پازارگاد در اوایل سال با شیوع کرونا، شرکت تصمیم گرفت به مدت دو ماه طرح ۲_۲ یعنی ۲ هفته کار و ۲ هفته استراحت را بخاطر احتمال ابتلای کارگران به ویروس اجرا کند که در این شرکت و بقیه شرکتها اجرا شد. این طرح باعث شد کارگران از این بیماری مصون بمانند. که مورد استقبال کارگران هم قرار گرفت. تا اینکه از هلدینگ خلیج فارس به همه شرکت های تابعه ابلاغ شد که به حالت عادی برگردند. در حال حاضر که کرونا دوباره با شدت بیشتری در

عسلویه و بوشهر شیوع یافته است و از جمله اینکه حدود ۵ نفر از کارکنان مبتلا به کرونا گشته اند و شوربختانه به دلیل شرایط کاری با بسیاری از همکاران در ارتباط فیزیکی و خوابگاهی بوده اند. با توجه به تصمیم گیری شرکت‌هایی چون مثل پتروشیمی مبین و پارس و... و اجرای طرح ۲_۲، شرکت بازارگاد اعلام کرده که نیازی به این کار نیست!

متأسفانه جان کارگران برای کارفرمایان و سودشان مهم نیست.

۵-ترفندهای شرکت های پیمانکاری تبهکار!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت تکبین صنعت به کارفرمایی شهپازیان به کارگرانش بد حسابی کرده و آنان را سر می دواند. تعدادی از کارگران این شرکت که در فازهای ۲۲ و ۲۴ برای ایشان کار کرده اند از اسفند سال گذشته تاکنون حقوق هایشان تسویه نگردیده است و هرگاه که تماس می گیرند ایشان با بی شرمی می گوید: «ما لیست رد کرده ایم اما کارفرمای اصلی هر زمان پول داد ما با شما تسویه خواهیم کرد» اینکه این موضوع چه قدر می تواند صحت داشته باشد اله و اعلم. اما نکته این است که گاه پیمانکار به مفاد قرارداد عمل نکرده و طلبش توسط کارفرمای اصلی بلوکه می شود که این هیچ ربطی به کارگران ندارد و یا اینکه عرضه وصول طلبش را ندارد.

این گزارش به این خاطر نوشته شد که کارگران این شرکت و شهپازیان را شناخته و برایش کار نکنند تا درس عبرتی باشد برای این افراد سودجو و بد حساب.

۶-وضع در شرکت آباد راهان پارس چگونه است؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا نامه زیر را کارگران شرکت آبادراهان پارس برای ما فرستاده اند: «باعرض سلام و خسته نباشید خدمت شما کارگران و مهندسین

با توجه به شرایط سخت زندگی و قیمت های سرسام آور اجناس، خواهان این هستیم تا صدای ما رو به گوش مسولین برسانید. از اسفند ماه تاکنون حقوقی از جانب شرکت آبدراهمان پارس پرداخت نشده است. آیا کارگران و زن و بچه این افراد چه گناهی کردند که اینگونه تحت فشار قرار میگیرند. ۵ ماه حقوق عقب مانده با توجه به افزایش روز به روز قیمت اجناس چه بر سر خانواده ها می آورد؟ کسی که خرج خانواده بر گردن آیا باید در این مدت چه کند قرض کند؟ وام بگیرد؟ از کی و کجا؟؟.... خواهشمند است رسیدگی کنید» این شرکت با مدیر عاملی آقای دکتر قباد چوبدار و مدیر پروژه آقای آرمین سرتیپ نیا در حدود ۱۵۰ کارگر که در پارس جنوبی (نفت ستاره) مشغول کارند. بیمه کارگران پرداخت می شود اما خوابگاه ها وضعیت مساعدی ندارد، مخصوصن حیاط خوابگاه شهید حاجبی نفت ستاره که پراز موش و سگ ولگرد هست. دستشویی و حمام بسیار نامطلوب! مواد ضد عفونی، مایع دستشویی بسیار کم! وضعیت غذا معمولی و از استاندارد خاصی برخوردار نیست. در مورد رعایت موارد بهداشتی پیشگیری از بیماری کرونا بسیار ضعیف! ماه های قبل از عید حتا ماسک هم هر یک ماه یک بار یک عدد میدادند که بعد از عید و آخر خرداد یک مقدار بهتر شد و پخش ماسک و گاهی مواد ضد عفونی به هفته ای یک بار تغییر کرده است

گزارش های کارگری از شهر ساوه

۱- گزارشی از شرکت دارویی مهبان شیمی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت دارویی مهبان شیمی واقع در شهرک صنعتی ساوه است. وضعیت تولید در این شرکت همانند گذشته است و به دلیل طرح توسعه، کارگر جدید نیز استخدام کرده است. با شیوع بیماری کرونا ساعت کاری تغییر نیافته است اما نکات بهداشتی رعایت می شود و مواد ضد عفونی کننده در ورودی کارخانه نگهداری وجود دارد و از همه کارگران و کارکنان هر روز هنگام ورود به شرکت دمای بدن اندازه گیری و ثبت می شود. حقوق ها طبق قانون افزایش یافته و سر موقع داده می شود. لباس کار و

کفش کار نیز همانند گذشته داده می شود. قرارداد های استخدامی متاسفانه سه ماهه می باشد و طرح طبقه بندی مشاغل وجود ندارد

۲- گزارشی از شرکت رنگ سازی بازاک ساوه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت رنگ سازی بازاک از اوایل سال جاری تولیداتش به دلیل نبود مواد اولیه کم شده و بدلیل بالا رفتن ارز درحال حاضر فعلاً فروش ندارد. در این کارخانه با تلاش کارگران و همراهی کارفرما پروتکل بهداشتی در کارخانه تا حدودی رعایت می شود. از جمله مواد ضد عفونی و اندازه گیری دمای بدن در ابتدای ورود به کارخانه انجام می گیرد. با این حال ۴ نفر از کارگران به بیماری کرونا مبتلا شدند که به آنها مرخصی با حقوق برای درمان داده شده است، به همین منظور از کلیه کارکنان آزمایش خون گرفته شده است تا افراد مبتلا شناسایی و غربالگری گردند. افزایش حقوق طبق قانون انجام گرفته ولی متاسفانه قراردادها ۳ ماهه می باشد.

۳- اعتصاب در کارخانه بوتان ساوه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز چهارشنبه ۲۵ تیرماه کلیه کارکنان کارخانه بوتان عرضه کننده لوازم خانگی، به دلیل اعتراض به حقوق پایین و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل دست از کار کشیده و در محوطه داخل کارخانه بصورت اعتصاب نشستند. به دنبال این اعتراض مدیرعامل کارخانه از تهران به کارخانه آمد و همه کارگران را تا شنبه تعطیل نمود تا شنبه تصمیم گیری نماید. کارگران نیز بیان نمودند که اگر کارفرما در روز شنبه تصمیم به نفع کارگران نگیرد اعتراضشان را به خیابان خواهند کشید. موضوع جالب این است که شرکت بوتان افزایش قیمت ۱۰۰ درصدی محصولات خود در سال جاری را داشته و حتا محصولات خود را به نمایندگی های فروش خود، به صورت کاملن نقدی عرضه می نماید.

۴- اعتصاب کارگران بوتان با موفقیت پایان یافت!

با اعتصاب ۱۷۰۰ کارگر کارخانه بوتان واقع در شهر صنعتی کاوه در ساوه در چهارشنبه روز و تعطیل نمودن کارخانه توسط خانم مهندس خلیلی صاحب شرکت تا روز شنبه، امروز نمایندگان کارگران در جلسه ای با مسوولین وارد مذاکره شدند. به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران شرکت بوتان خواسته هایشان عبارت بود از: ۱- افزایش حقوق ۲- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل.

این اعتراض منجر به دست از کار کشیدن کارگران از کارگاههای مختلف شد که در روز چهارشنبه بصورت اعتصاب در محوطه کارخانه انجام گرفت و با آمدن مدیرعامل و تعطیل کار تا شنبه خاتمه یافت. قرار بر این شد تا شنبه با کارگران گفتگو کنند و تصمیم مناسب گرفته شود. در روز شنبه جلسه ای برگزار شد که اعضای آن عبارت بودند از: ۱- کارفرما ۲- نماینده فرماندار ۳- نماینده کارگران از هر کارگاه ۲ نفر که حدود ۴۰ نفر انتخاب شده توسط کارگران ۴- نماینده ای از آگاهی ۵- نماینده ای از اطلاعات

در این جلسه توافقات زیر تصویب شد: ۱- کارفرما مکلف به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل طی ۱۰ روز آینده شد تا طرح و پیش زمینه های آن را ارائه دهد و در بعد ۶ ماه آنرا اجرایی کند ۲- افزایش حقوق کارگران در لوای طرح طبقه بندی انجام پذیرد ۳- کارفرما به هیچ وجه کارگری را اخراج نکند به ویژه نمایندگان کارگران را ۴- کارگران بعد اتمام جلسه به سر کار برگردند و تولید ادامه یابد

در حال حاضر خوشبختانه با قبول طرفین تولید شروع شده و کارگران مشغول کار هستند در آینده مشخص خواهد شد که چه کسی به نتیجه این نشست پایبند خواهد بود و به تعهد خود عمل خواهد کرد.

لازم به ذکر است که قراردادهای کارگران در این کارخانه یک ماهه است و بیشترین نگرانی کارگران از تمدید نشدن قراردادهای کارگران فعال در اعتصاب است. ☞

وضعیت کارگران صنعت شیشه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، صنایع شیشه وضعیت ناخوشی دارند و با تحریم های ایجاد شده بازارهای خود را در کشورهای حتما همسایه از دست داده اند. این مشکل به ویژه درکارخانه های کوچک به اخراج کارگران و عقب افتادن دستمزدها و افزایش ساعت کاری انجامیده است.

در دو کارخانه شیشه آدینا جام و جام دیس که در شهرک صنعتی شکوهیه قم واقع هستند حقوق کارگران بیش از ۳ ماه عقب افتاده، بیمه کارگران را فقط ۱۵ روز در ماه لیست می کنند و به کارگران در این واحدهای تولید فقط مساعده داده می شود و از تسویه کامل حقوق خبری نیست. از فروردین امسال تاکنون این کارخانه ها ۳۰ درصد کارگران شان را اخراج کرده اند

اخراج در شرکت عقاب افشان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت عقاب افشان واقع در سمنان به ساخت اتوبوس می پردازد. با توجه به مشکلات صنعت اتوبوس سازی در کشور از جمله تحریم ها این کارخانه هنوز سرپاست. ظرفیت روزانه تولید ۷ دستگاه اتوبوس بود که هم اکنون این ظرفیت به روزانه یک دستگاه و بعضی اوقات هر دو روز یک دستگاه کاهش یافته است. شرکت عقاب افشان تنها کارخانه تولید کننده ای است که با حداقل ۵۲ درصد ساخت داخل محصولات خود را عرضه می کند اما حدود ۴۸ درصد مابقی به شاسی و قوای محرکه باز می گردد و شرایط فعلی تحریم ها و توقف واردات شاسی موجب شده که نتواند از ظرفیت ۵۲ درصدی استفاده بهینه کند. این کارخانه با توجه به کاهش تولید از اوایل سال دست به اخراج کارگران خود زده است هر چند که به کارگران گفته شده است این امر موقتی است اما مدیریت در مورد طول زمان «موقت» هیچ نمی گوید.

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



۱- تجمع بازنشستگان شرکت واحد مقابل ساختمان مرکزی در اعتراض به عدم پرداخت سنوات خدمت



دوشنبه ششم مرداد، بازنشستگان شرکت واحد اتوبوسرانی در اعتراض نسبت به عدم پرداخت سنوات خدمت، مقابل ساختمان مرکزی شرکت واحد (خیابان هنگام) تجمع کرده‌اند. پس از مدتی با درخواست مدیریت به سالن کنفرانس ساختمان رفتند ولی با توجه به شلوغی سالن کنفرانس با درخواست مدیریت چند تن از نمایندگان برای مذاکره با مدیریت در سالن کنفرانس ماندند و الباقی کارگران سالن کنفرانس را ترک کردند. این کارگران بازنشسته عموماً اسفند

ماه ۹۸ بازنشسته شده‌اند اما به هر یک از آنان ۵۰ تا ۶۰ درصد حق سنوات‌شان پرداخت شده است. این کارگران بازنشسته پیش از این سه مرتبه در مقابل شورای شهر و شهرداری تهران در اعتراض به عدم پرداخت سنوات خدمت تجمع کرده‌اند و هر بار با وعده مدیریت شرکت واحد به تجمع خود پایان دادند اما مدیریت به وعده خود عمل نکرده است.

سندیکا از کارگران شاغل و بازنشسته دعوت می‌کند از خواسته‌های همدیگر پشتیبانی کنند. وضعیت امروز بازنشستگان نتیجه بی‌تفاوتی آنان به حقوق بازنشستگان در زمان اشتغال‌شان می‌باشد.

۲- نارضایتی رانندگان خطوط بی آر تی سامانه یک از عدم پرداخت معوقات شیر وکیک روزانه

بی تدبیری و ناکارآمدی مدیریتی مدت هاست که در توزیع شیر وکیک وقفه ایجاد کرده است بطوری که یا شیر وکیک روزانه بین رانندگان خطوط بی آر تی توزیع نمی‌گردد و یا تاریخ مصرف شیرهای توزیع شده پایان رسیده و حتی در بعضی از موارد شیر فاسد شده بدست رانندگان رسیده است. در ماه گذشته (تیرماه) بطور کل در سامانه یک بی آر تی در طول یکماه هیچگونه شیر وکیکی بین رانندگان توزیع نشده است. اما در روزهای گذشته ده عدد شیر وکیک برای رانندگان توزیع شده است. در صورتی که باید معوقات ۳۰ روز گذشته پرداخت می‌گردید. این نوع روش توزیع نه تنها باعث گردیده تا رانندگان بطور مرتب از شیر که در جهت آلودگی هوا رانندگان باید روزانه مصرف کنند. بهره مند نباشند، بلکه معوقات شیر وکیک های قبلی هم به مرور زمان به فراموشی سپرده میشود. بطوری اگر بخواهیم معوقات پرداخت سامانه های بی آر تی را با به حساب سرانگشتی بیان کنیم رقم بسیار چشمگیری خواهد بود در صورتی که قطعاً منابع مالی برای اینگونه پرداخت ها تامین شده چرا که شیر وکیک روزانه از مجموعه حقوق رانندگان میباشد و عدم توزیع آن از سوی کارفرما در ادارات کار قابل پیگیری میباشد. این ناهماهنگی ها در توزیع شیر وکیک در چند سال گذشته با برنامه ریزی مدیریت در جهت کاهش مزایای مستمر و از بین بردن دستاوردهای کارگران و رانندگان از سوی کارفرما

صورت میگیرد تا در دراز مدت بتوانند کلیه مزایای رانندگان و کارگران شرکت واحد را از بین ببرند. خوشبختانه آگاهی و اتحاد رانندگان و کارگران زحمت کش شرکت واحد و حضور سندیکای کارگران شرکت واحد در محیط کار، باعث عقب نشینی کارفرما در حذف دستاوردها و مزایای کارگران و رانندگان شرکت واحد گردیده است.



۳- اعتراض چراغ روشن رانندگان خطوط بی آر تی شرکت واحد هم اکنون پایانه آزادی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق.

عوامل حراست و بازرسی و عملیات خطوط از جمله امین زاده مسئول عملیات خطوط از صبح امروز ۳۱ تیر ماه در تلاش هستند تا با اعمال فشار و تهدید رانندگان را مجبور کنند تا چراغ های اتوبوس هایشان را خاموش کنند ، اما تصاویر اتوبوس ها حاکی از آن است که تا رانندگان حقوقشان را دریافت نکنند این اعتراضات ادامه خواهد داشت. سندیکای کارگران شرکت واحد به مدیر عامل هشدار میدهد عدم به موقع پرداخت حقوق رانندگان میتواند اعتراضات جدی تر را به همراه داشته باشد و مسئولیت هرگونه بی توجهی در پرداخت بموقع حقوق رانندگان و کارگران زحمت کش شرکت واحد به عهده خود شخص مدیر عامل خواهد بود. با تهدید و ارعاب نمی توانید صدای اعتراض رانندگان زحمت کش شرکت واحد را خاموش کنید.

از حقمان نمی گذریم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، طبق فراخوان داده شده امروز ۲۵ تیرماه ساعت ۹ صبح بازنشستگان برای برپایی تجمع در جلوی ساختمان مرکزی تأمین اجتماعی آمده بودند. از مسجد امام حسن بغل وزارت کار، با نیروهای انتظامی مواجه شدند که از تجمع ممانعت می کردند. البته بسیار محترمانه و با گوش کردن حرفهای بازنشستگان. گویا دستور داشتند از تجمع به هر ترتیب جلوگیری کنند. از ساعت ۹ و ۴۵ تجمع دیگری در سمت شرقی سازمان تأمین اجتماعی شکل گرفت که به هر ترتیب با اعمال زور این تجمع را نیز متفرق کردند. از حدود ساعت ۱۰ و با افزایش تعداد بازنشستگان مأموران نیروی انتظامی با اجبار تجمع کنندگان را به درون وزارت کار راندند. شعار بازنشستگان دیدار با سالاری رییس سازمان تأمین اجتماعی بود. در داخل سالن اجتماعات وزارت کار حال و هوای مبارزه جویانه حکم فرما بود و بازنشستگان شعار می دادند «وزیر باید بیاید» برای پاسخگویی و چون کسی نیامد دوباره بیرون وزارت کار جمع شدند. اما بازهم نیروی انتظامی بازنشستگان را به داخل سالن اجتماعات راند. این بار آقای بیات رئیس کانون عالی بازنشستگان سراسر کشور و آقای دهقان کیا رئیس کانون بازنشستگان تهران و خانم حیدری از مدیران سازمان تأمین اجتماعی برای جوابگویی و توجیه اعمال خود و وضعیت بازنشستگان حاضر بودند ولی جمعیت ناراضی اجازه صحبت به آنها نمی دادند. ناصر آعاجری، حسین غلامی، ناصر اسالو، محسن نورایی، قاسم مهرآور، مازیار گیلانی نژاد و ۲ تن از زنان حاضر پشت میکروفن رفته و خواسته ها را بیان می کردند.

پس از گزارش آقایان بیات و دهقان کیا که مکررن با اعتراض حاضرین قطع شد. متأسفانه در یک حرکت زشت آقای بیات عنوان نمود که کارگران هفت تپه یکماه است که اعتراض می کنند و نتیجه اش چه شده؟ که کارگران با گفتن «دروود بر شرف کارگر هفت تپه» حرف ایشان را قطع کردند. حسین غلامی از پشت میکروفن ماحصل خواسته های بازنشستگان را که در سالن توسط بازنشستگان عنوان شده بود، برای یادداشت و انتقال به مقامات بالا بشرح ذیل

خواند: ۱- افزایش حقوق پایه ثابت بازنشستگان، مستمری بگیران و از کار افتادگان در حد خط رفاه ۲- اتخاذ سیاست‌های ضربتی و فوری برای حل بحران مسکن. افزایش حق مسکن کارگران، بطوری‌که امکان ادامه حیات وجود داشته باشد. ۳- رایگان بودن درمان و دارو برای بازنشستگان و مستمری بگیران و از کار افتادگان در کلیه مراکز درمانی کشور. ۴- حذف بیمه تکمیلی که نمونه‌ای از راهزنی آشکار است. همین‌طور حذف دریافت فرانشیز از کارگران و رایگان بودن درمان و دارو در مراکز درمانی سازمان. ۵- گسترش و تاسیس مراکز درمانی در سراسر کشور با اولویت مناطق محروم. ۶- حذف کارگزاری‌ها و استخدام پرسنل آن در سازمان تأمین اجتماعی و اتخاذ سیاست‌های راهبردی برای این واحدها ۷- توقف فروش اموال تأمین اجتماعی و جلوگیری از خصوصی سازی به ویژه بانک رفاه. ۸- حضور نمایندگان واقعی کارگران در اداره و سیاست گذاری‌های کلان سازمان تأمین اجتماعی و تنظیم قوانین و مقررات پایدار در جهت حفظ منافع بیمه شدگان. ۹- توزیع کالاهای ضروری از طرف سازمان تأمین اجتماعی، بواسطه امکانات «اتحادیه امکان» بین کارگران و بازنشستگان ۱۰- اجرای قانون ساختار جامع رفاه

گزارشی از تجمع بازنشستگان تبریزی!

روز ۲۵ تیرماه و هماهنگ با بازنشستگان سراسر ایران ۲۵۰ بازنشسته تبریزی نیز برای موضوع همسان سازی حقوقها، وضعیت بد معیشتی و درمانی، موضوع فروش شستا در بورس، در مقابل اداره کار تبریز تجمع کردند که یکی از معاونین اداره کار به میان بازنشسته ها آمده و با آنان صحبت نمود و خواسته های آنان را یادداشت کرد. پس از رفتن این مسوول بازنشستگان با قرائت قطعنامه ای به تجمع خود پایان دادند

در حاشیه تظاهرات ۲۵ تیرماه ۹۹



در این شرایط عینی در انتظار دعوت تشکل های زرد دولتی نشستن و به قانون استناد کردن، تنها یک خود فریبی و دگر فریبی است... نظامی که بر آیندش پس از چهل سال اختلاس های نجومی است و فقر سیاه، بیکاری، فساد اجتماعی و... دستاورد دیگری برای اکثریت مردمی که به آنها، مشروعیت داده اند، ندارد. بدین گونه نظام نالایق را به چالش گرفتند.

شروع گرد آمدن بازنشستگان همراه با جو سنگین پلیسی بود. ماشین های پلیس و ون هایی با شیشه های تیره که برای بردن دستگیر شدگان احتمالی در کنار خیابان آزادی روبروی وزارت کار و تامین اجتماعی پارک کرده بودند، ولی بعد معلوم شد پر از پلیس های ویژه هستند، خود را به رخ بازنشستگان می کشیدند، تهدیدی عینی برای مادرزرگ ها و پدرزرگ های بازنشسته. در ابتدا لباس شخصی ها را نمی شد به راحتی در میان رفت و آمد مردم تشخیص داد، ولی زمانی که پا سست می کردی یا می ایستادی، بازوانت به وسیله دو لباس شخصی گرفته می شد و با تهدید و اخطار وادارت می کردند از آن منطقه دور شوی. پلیس نیروی انتظامی با لباس های ویژه خود به یاری لباس شخصی ها می آمدند و تو را از آن منطقه دور می کردند. در اولین نگاه امکان برگزاری تجمعی

اعتراضی غیر ممکن به نظر می‌رسید، برخورد‌های جدی و همراه با تهدید لباس شخصی‌ها و همراهی نیروی انتظامی، برخی از بازنشستگان خسته از این مناسبات نولیبرالی سرکوبگر را که حتی اعتراضات قانونی چند بازنشسته را هم نمی‌توانند تحمل کنند، نا امید کرد و آرام آرام راه ایستگاه‌های مترو را پیش می‌گرفتند تا به خانه‌های خود برگردند. ولی اکثریت در دو طرف بلوار آزادی، دورتر از وزارت کار و تامین اجتماعی آرام قدم می‌زدند و باز به سوی محل اعلام شده تظاهرات بر می‌گشتند. گفتگوهای اعتراضی برای جلوگیری از پراکنده شدن با لباس شخصی‌ها، نتیجه‌ای جز تهدید بیشتر و هل دادن در پی نداشت و هجوم دیگر نیروی انتظامی را که منتظر واکنش لباس شخصی‌ها بودند تا آنها هم وارد معرکه هل و تهدید شوند، عملی می‌کرد. چند نفری از لباس شخصی‌ها اعلام می‌کردند ما با درد شما آشنا هستیم، ولی ماموریم و از شما خواهش می‌کنیم از اینجا دور شوید وای مجبور به خشونت هستیم. برخی دیگر حتی می‌گفتند: ما هم میدانیم اینها همه دزد هستند و مملکت را دارند به نابودی می‌کشاند، ولی از اینجا بروید ما مجبور هستیم با خشونت تجمع را پراکنده کنیم.

خانم‌ها با شجاعت کم نظیری با صدای بلند پلیس را نقد می‌کردند و می‌گفتند شما فرزندان ما هستید و با این حاکمیت روزگار آینده شما هم سیاه‌تر از وضع امروز ماست، زیرا این جماعت برای مال اندوزی به هیچ کس رحم نمی‌کنند. از تهدیدهای پلیس نمی‌ترسیدند و یکی از خانم‌ها یک پلاکارد را به تنهایی بالای سر گرفت. هنوز چند دقیقه تا ساعت ۹ باقی مانده بود که لباس شخصی‌ها و پلیس به این خانم حمله کردند و پلاکارد او را گرفتند و او را محاصره کردند و با خشونت با او گفتگو می‌کردند و زن، با فریاد آنها را نقد می‌کرد و از جایش تکان نمی‌خورد کار به هل دادن کشید که دیگر تظاهرکنندگان از او خواستند به همراه آنها آرام قدم بزنند و از آنجا دور شود. تا صد متری تامین اجتماعی اجازه ایستادن نمی‌دادند. در شرق و غرب تامین اجتماعی، اجتماع کم کم سنگین شد، فاصله یک متر و نیمی برای فاصله‌گیری اجتماعی از میان رفت.

کسی در عمل نمی‌توانست به خطر کرونا بیندیشد و فاصله‌گیری اجتماعی را رعایت کند، به فاصله ۲۰ سانتی هم دیگر ایستاده بودند ولی انبوه شدن تظاهرکنندگان به ناگزیر آنها را از دوطرف به سوی تامین اجتماعی به حرکت در آورد. با اعلام خطر لباس شخصی‌ها به وسیله بیسیم‌هایی که از زیر لباس شان بیرون می‌آوردند، حرکت بازنشستگان را به سوی تامین اجتماعی اعلام نمودند. به یک باره گروه ویژه و جدید پلیس با باتوم به دست به سرعت در میان جمعیت و جلوی درب ورودی تامین اجتماعی آماده حمله شدند. ولی این ژست‌ها پلیس امنیتی نتوانست بازنشستگان را به وحشت بیندازد. معلوم شد این گروه در ون‌ها مستقر بودند و به سرعت و به یک باره در میان جمعیت پراکنده شدند، ولی جمعیت بزرگتر از آن شده بود که تهدید و تظاهر به خشونت کسی را بترساند.

جمعیت مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها از دو طرف شرق و غرب وزارت کار مانند رودی پر خروش به سوی درب ورودی تامین اجتماعی حرکت کرد، با فریاد “وزیر باید پاسخگو باشد”. برغم خطر مرگ بار کرونا و پلیس امنیتی و تهدید هایش و نیروی انتظامی و پلیس‌های ویژه باتوم بدست، این نیروهای کار که هر کدام حداقل سی سال کار تولیدی یا خدماتی انجام داده بودند ولی هر روز بیشتر به دلیل بی کفایتی مدیران اجرایی کشور قدرت خریدشان چند صد برابر پیش از انقلاب سقوط کرده و زندگی شان به چالشی دردناک کشیده شده است از جان گذشته اراده کرده بودند فریادشان بر سر مجریان نالایق خالی کنند. برغم همه خطرات مضاعف موجود با قدرت، حاکمیت را به چالش گرفتند. تا همراه دیگر بازنشستگان در سراسر ایران به ستمگران مناسبات واپس‌گرای نولیبرالی بفهمانند که کارد به استخوان رسیده و حتی بازنشستگان با دردهای متعدد ناشی از سی سال کار و عدم وجود خدمات بهداشتی قانونی به میدان مبارزه با نظامی که بر آیندش پس از چهل سال اختلاس‌های نجومی است و فقر سیاه، بیکاری، فساد اجتماعی و... دستاورد دیگری برای اکثریت مردمی که به آنها، مشروعیت داده اند، ندارد. بدین گونه نظام نالایق را به چالش گرفتند.

برغم کارشکنی برخی چپ‌های واخورده و مصلحت‌اندیش که با استدلالات به ظاهر منطقی شرکت در تظاهرات را نفی کردند و تشکلهایی را که اکثریت اعضاء آنها هر بار بدون درنگ در تظاهرات شرکت می‌کردند و با توزیع پلاکارد به صورت علنی در مقابل چشمان پلیس شجاعانه نظام را به چالش می‌گرفتند امروز به جز چند نفری از آن مبارزان بقیه ترجیح دادند پیرو اندیشه، تنها ره‌رهایی، مصلحت‌اندیشی جناح راست حزب چپ شوند. تاثیر مخرب اندیشه‌های مصلحت‌اندیشی طومار نویسان خود را به روشنی در این تظاهرات بازنشسته‌ها به رخ کشید، باید از این به بعد علاوه بر انتظار شیوه‌های مخرب حزب کمونیست کارگری، می‌باید بازنشستگان حواس شان به کسانی باشند که ریا کارانه خود را چپ می‌نامند و در گفتگوهای درگوشی حتی رادیکال، ولی در عمل هر تشکلی را سترون می‌کنند آن هم با استدلال “تنوری بقایی” تشکل فعال را به مشتی سترون بدل می‌کند. انگشت شماری از آن تشکل هم که در تظاهرات شرکت کرده بودند، با انرژی گذشته به خیابان نیامده بودند. ولی همین چپ‌های راست شده و مریدانش در همان روز ۲۵ تیرماه به جای شرکت در تظاهرات اطلاعیه ای برای حمایت از کارگران هفت تپه در تشکل مطرح کرد تا امضاء جمع آوری کند!!؟ به دلیل خطرات کرونا و عدم اطلاعیه کانون‌های زرد برای تجمع در این تظاهرات، شرکت در تظاهرات را نفی نمود و افراد تشکل را خانه نشین کرد. در هر صورت، به رغم منطق “تنوری بقاء” چپ‌نماهای راست، و کرونا و مرگبار و پلیس پرخاشگر، بازنشستگان زن و مرد، همه خطرات را به جان خریدند و وارد خیابان‌ها شدند تا از حقوق قانونی خود دفاع کنند.

در چنین ساختار سرکوب گری که قوانینی که به او مشروعیت داده به زباله دانی انداخته (برخی اصول قانون اساسی) در انتظار شرایط بی خطر و “منطقی” برای اعتراض به حقوق قانونی که لگد مال شده است، در واقع باور به سرابی خشک و مرگ بار است. آن هم در نظامی که تعدیل ساختاری را در همه ارکان جامعه سی و اندی سال است که کاربردی می کند، تعدیل ساختاری که قانون زدایی بخش جدایی ناپذیر این روند نولیبرالی است، هم چون، خارج کردن از شمول قانون کار و بیشتر اصل‌های قانون اساسی در میان قرارداد موقتی‌ها، مناطق آزاد تجاری - صنعتی، مناطق ویژه اقتصادی و پارک‌های علم و فناوری، کارگاه‌های زیر ده نفر که به صورت کامل عملی شده و بخش دولتی هم با طرح‌های استاد و شاگردی دیگر استخدام رسمی و طبق قانون کار نخواهد داشت، حتی برای دانش آموختگان دانشگاه‌ها. در این شرایط عینی در انتظار دعوت تشکل‌های زرد دولتی نشستن و به قانون استناد کردن، تنها یک خود فریبی و دگر فریبی است.

پلیس که دید به دلیل انبوه جمعیت در راهروهای کنار وزارت کار و تامین اجتماعی قادر به پراکنده کردن جمعیت نیست، از بازنشستگان با خواهش خواستند وارد سازمان تامین اجتماعی شوند و در سالن اجتماعات آن، نظرات خود را مطرح کنند تا مسئولان پاسخگو شوند. رود خروشان مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها وارد سالن بزرگ اجتماعات شدند.

بیات مدیرکل کانون بازنشستگان ایران برای سخنرانی و توضیح به جمعیت در پشت تریبون قرار گرفت ولی جمعیت به او اجازه گفتگو ندادند و مجبورش کردند بروند و بنشینند تا بازنشستگان حرف‌های شان را بزنند چند خاتم در میان سالن با صدای بلند انتقاد کردند، چند آقای بازنشسته پشت تریبون دولت را و عدم اجرای قوانین تصویب شده شان را که هرگز اجرایی نشده‌اند، به نقد کشیدند.

یک خانم هم از پشت تریبون دولت و کانون بازنشستگان و مدیران انتصابی شان را به نقد کشید. بازنشسته دیگری غارت شستا به وسیله دولت احمدی نژاد و روحانی و سکوت کانون‌های به اصطلاح بازنشستگان را نقد کرد. مدیر کل بازنشستگان تامین اجتماعی تهران، شروع به پاسخگویی کرد، چون به حاشیه‌ها پرداخت، جمعیت مانع گفتگوی او شدند. این تظاهرات برای دوران کرونا بی شروع خوبی بود و امیدوار کننده، با امید به اتحاد همه رنجبران ایران و ترد مصلحت اندیشان طبقه متوسط در پوشش چپ.

ناصر آقاجری ۲۵ تیرماه

وضعیت درمان در صندوق بازنشستگان آینده ساز



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با حاد شدن موضوع درمان بازنشستگان صندوق آینده ساز، کانون بازنشستگان آینده ساز نیز از رفع این مشکل شانه خالی کرده و موضوع مشکلات درمانی بازنشستگان این صندوق را به مدیران صندوق حواله می دهد. در حالی که کانونی که به قول خودش نماینده بازنشستگان است اگر در این مورد ورود نکند قرار است چه بکند؟ دبیر اجرایی صندوق آقای دقیانوس اگر نتواند این مشکل را پیگیری کند چگونه انتظار دارد که بازنشسته موضوع درمان خود را حل کند؟ خواسته های جامعه کارگری و نیروی کار سازمان توسعه و نوسازی صنایع ایران.

الف: اول درمان (راه حل)

کارشناسی سنجیده ای که تاکنون صورت یافته این است که چون صندوق عهده دار متعارف درمان و حوادث غیر مترقبه بدنی اعضا است وظیفه خطیری در این خصوص بعهده دارد. بیمه تکمیلی اجحاف است به اعضا ضرورت اقتضا می کند شورای عالی رفاه عاجلا تصمیمی اتخاذ نمایند که حوزه صندوق حمایت آینده سازبا پرداخت تعرفه درمان اعضا از امکانات مراکز درمانی تامین اجتماعی برخوردار شوند. ب: اخذ ۳ درصد ماده ۲۸ قانون تامین اجتماعی ج: تطبیق حوالات در بررسی معاملات منقول و غیر منقول صندوق از بدو تشکیل. د: احقاق حقوق از دست رفته شاغلین مشاغل سخت و زیان آور و ماده ۱۰ و جبران خسارت ه: هزینه ستادی صندوق بازنشستگی آینده ساز بیش از هزینه صندوق های مشابه نباشد، در هر صورت از یکصدم پرداختی به مستمری بگیران تجاوز نخواهد کرد.

انجام هماهنگی برای تامین لاستیک و قطعات مورد نیاز کامیون‌داران- برنامه‌ای برای افزایش قیمت گازوئیل وجود ندارد

به گزارش ایلنا، اسحاق جهانگیری امروز (دوشنبه) در جلسه بررسی مسائل و مشکلات کامیون‌داران، گفت: کامیون‌داران انسان‌های شریف، زحمتکش و پرتلاشی هستند که سالانه حمل و نقل میلیون‌ها تن کالا و مایحتاج مردم بر دوش آن‌ها و ناوگان حمل و نقل باری کشور قرار دارد. باید اقدامات لازم در جهت حل مشکلات کامیون‌داران برای تامین لاستیک، سوخت و قطعات و لوازم یدکی انجام شود، اظهار داشت: لازم است وزارت صنعت، معدن و تجارت پیشبینی‌های لازم را برای تامین اقلام و کالاهای مورد نیاز کامیون‌داران و نیز تقویت نظارت بر قیمت این اقلام انجام دهد و بانک مرکزی نیز ارز مورد نیاز تولید داخل و واردات این اقلام را با اولویت فراهم کند. وی همچنین با اشاره به مطالبه دیگر مطرح شده در جلسه برای پرداخت یارانه بیمه تامین اجتماعی کامیون‌داران، از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواست برنامه ریزی و پیشبینی‌های لازم را برای تحت پوشش قرار گرفتن کامیون‌داران انجام دهد.

در این جلسه مهندس زنگنه وزیر نفت نیز با اشاره به برخی شایعات در خصوص افزایش نرخ گازوئیل برای کامیون‌داران، تاکید کرد: وزارت نفت به هیچ عنوان برنامه‌ای برای افزایش قیمت گازوئیل در سال ۹۹ ندارد.

مهران قربانی معاون وزیر راه و شهرسازی و رئیس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای نیز در این نشست به تشریح آخرین وضعیت بخش حمل و نقل کالا پرداخت و گزارشی از اهم مطالبات رانندگان حمل و نقل کالای برون شهری ارائه کرد که تامین لاستیک و کنترل قیمت آن در حوزه حمل و نقل کالا و مسافر، جلوگیری از افزایش بیرویه قیمت قطعات یدکی و سهولت دسترسی به لوازم پرمصرف، تامین منابع پایدار جهت پرداخت یارانه بیمه تامین اجتماعی و مشکلات ناشی از عدم کفایت سهمیه سوخت تخصیص یافته برای ناوگان فعال در بنادر و سایر کامیون‌داران در شرایط کرونا از جمله این مطالبات بود.

همچنین در این نشست مقرر شد، وزارت راه و شهرسازی و وزارت صنعت، معدن و تجارت هماهنگی‌های لازم را برای تامین لاستیک و قطعات مورد نیاز کامیون‌داران انجام دهند و بانک مرکزی نیز با اولویت نسبت به تامین ارز مورد نیاز واردات و تولید داخل این اقلام اقدام کند.

عادی سازی مرگ!



نزدیک به یکصد و پنجاه روز از ورود بیماری کرونا به کشور می گذرد. به جز هیجانات و شوهای میدانی روزهای اول دولت در رابطه با مبارزه با شیوع کرونا، امروز عادی سازی مرگ شعار دولتمردان گشته است و دیگر حتا به توصیه های پزشکان و وزیر بهداشت هم گوشی برای شنیدن وجود ندارد. هزینه های سنگین برای زدن بیمارستانهای صحرائی، رژه های سرکوب کرونا، مُد شدن ابتلا به بیماری کرونا در میان مسئولین، امروز دیگر دیده نمی شود. مسئولین، رسانه های گروهی وظیفه خود را به عادی سازی مرگ تقلیل داده اند.

در ایران خودرو دیگر از تب سنجی خبری نیست، ماسک لازم برای کارگران ذوب آهنی بیش از دوماه است تهیه نشده، ابتلا به بیماری کرونا در شهرک صنعتی ساوه رو به گسترش است، مرگ های پی پی در پی در عسلویه و بوشهر و پارس جنوبی به دلیل رعایت نکردن فاصله گذاری اجتماعی در هنگام کار و سرویس های کارگران و خوابگاهها یشان، ضد عفونی نشدن خوابگاهها و سرویس های بهداشتی و نداشتن ماسک از جمله این موارد است.

داس کرونا سالمندان، بیماران زمینه ای چون قلب و عروق، کلیوی، سرطانی، بیماری های خاص را درو می کند. ماسک معمولی به دستور دولت از ۳۰۰ تومان به ۲۰۰۰ تومان افزایش یافت تا مرگ همچنان به سمت فقرا میل کند. از

ضد عفونی کردن مرتب اتوبوس های شهری، مترو و معابر عمومی خبری نیست.

از بیمارستان ها خبر می رسد به جز کادر درمانی و خدماتی، بسیاری از بیماران عادی نیز به دلیل رعایت نشدن نکات بهداشتی در بیمارستانها که باید با یک جداسازی عادی از ابتلا به کرونا درمان باشند گرفتار این بیماری شده اند. هزینه پیشگیری از این بیماری برای خانواده های کارگری و مستمری بگیران بالاست. یک خانواده کارگری برای خرید ماسک و رعایت ضد عفونی کردن روزانه باید بیش از ۱۰ هزار تومان هزینه کند، آن هم با حقوق حقیرانه ۱ میلیون ۸۰۰ هزار تومانی. کافی است در معابر عمومی و محله های کارگری رفته و مشاهده کنید که چگونه خانواده های کارگری ماسک چندبار مصرف شده را باز هم مجبورند استفاده کنند.

سیستم سرمایه داری برای کاهش هزینه های آتی خود سالمندان، بی خانمان ها، حاشیه نشین ها و محله های کارگری را در برابر کرونا تنها گذاشته است. دو طرز فکر برای مقابله با کرونا در جهان اجرا می شود یکی عادی سازی مرگ و همه گیری انسانهاست و دیگری قرنطینه های سختگیرانه که در چین و کوبا و ویتنام اجرا شده است. نه تنها مردم از مرگ جسته اند بلکه هزینه های دولت برای مقابله با این بیماری کمتر از کشورهایی است که مردم کشورشان را در مقابل کرونا تنها گذاشته اند. عادی سازی مرگ در اروپا آغاز و در آمریکا به یک کشتار انسانها تبدیل شده است.

برای خروج از این بحران کمترین راه حل این است که ماسک رایگان در اختیار مردم گذاشت. به جای هزینه کردن برای کتک زدن پرستاران در مشهد می شد آنان را به کار گرفت و از نیروی انتظامی خواست که آنها هم به موج تولید ماسک در هر کوی برزن روی بیاورند.

مازیار گیلانی نژاد تیرماه ۹۹

چگونه یک فرزانه زیلابی باشیم؟!



فرزانه زیلابی یک انسان بزرگ در زمان ما و در مملکت ما و در استان و منطقه ماست. خانم فرزانه زیلابی گرامی، چند سال است که وکیل کارگران هفت تپه است. زحمت بسیار کشیده و از جیب خودش هزینه کرده و از کارگران و موکلینش مبلغی برای وکالت دریافت نکرده است. وکالت مجانی کرده ولی کار با کیفیت عالی هم انجام داده است. برایش پرونده سازی کردند اما کوتاه نیامد. در ده ها پرونده از کارگران و نمایندگان کارگری هفت تپه دفاع کرده است.

چگونه میتوان یک فرزانه زیلابی بود؟ چگونه میتوان مانند فرزانه زیلابی شجاع بود، آگاه بود، دریا دل بود، فهیم و عاقل بود، با احساس های انسانی بود، مجهز به دانش و توانایی و مهارت بود؟ چگونه میشود مثل فرزانه زیلابی وکیل نام آشنا، دلسوز و خوشنام کارگران هفت تپه، انسانی بود که از زندگی و وقت و امنیت و آسایش خود گذشت و به دیگران و به جامعه خدمت کرد؟

پاسخ به این سوال خیلی ساده است و خیلی سخت است. ساده است چون کافی است مثل فرزانه زیلابی برای منافع مردم و جامعه تلاش کنیم تا بتوانیم یک فرزانه زیلابی باشیم. اما فرزانه زیلابی بودن خیلی سخت است؛ کمتر کسی میتواند مثل او زندگی و آسایش خودش را وقف جامعه کند. ولی نباید نا امید بود و برای زیلابی شدن راهی وجود دارد:

میشود به فرزانه زیلابی ها نگاه کرد و متوجه شد که اینطور نیست که همه به فکر خودشان و جیب شان باشند؛ هستند افرادی که به دیگران خدمت انسانی و اجتماعی میکنند. پس میشود ما هم مثل آنها باشیم.

گفتن این که سرکار خانم زیلابی عزیز، با تجربه، آگاه، محکم، استوار، توانا، دانا، یاریگر و زجرکشیده از تو تشکر میکنیم بسیار واجب و خوب است؛ اما برای تشکر واقعی از فرزانه زیلابی و زیلابی ها باید یک کار مهم و اساسی دیگر کرد: آنها را الگو قرار دهیم و به منافع دیگران هم فکر کنیم و به منافع جامعه هم فکر کنیم و برای دیگران و برای هم نوعان خود زمان و انرژی و توان بگذاریم؛ دقیقاً مثل کاری که نمایندگان و فعالان کارگری انجام میدهند. ما همگی باید فعال کارگری باشیم و به منافع کل کارگران فکر کنیم و برای آن مبارزه کنیم. تشکر واقعی از زیلابی این است که او را که فراتر از زن بودن و مرد بودن، انسان بودن را آموزش میدهد الگو قرار دهیم. ما هم میتوانیم یک فرزانه زیلابی باشیم؛ ما هم میتوانیم یک #فرزانه_زیلابی شویم.

زنده باد اتحاد

احد شو اغیل کارگر هفت تپه

۲۷ جمادی الثانی ۱۴۰۰ شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۹۷ ۹ March 2019

سلام به همه ی پدرهای هفت تنه من می‌دویم
شما یقدر زحمت می‌کشید و شما خیلی برای بچه‌ها
زحمت می‌کشید و برای بچه‌ها تون پول در میارین
که بچه‌ها تون خوشحال بشوند. اون چند وقت
است که ما بچه‌ها خوشحال نیستیم. بچه‌ها وقت
شما به پدرتون می‌گین که خوراک یا لباس خداید
براتون بخرن. چون حقوق کمتر رفتن و نمی‌تونن برای
شما بخرن اون‌ها شرمند شما می‌شن پس
بیاید با هم پدران خود را درک کنیم.

*

از طرف فاطمه چشمه‌خاور

به تاریخ چهارم مرداد ماه یک هزار و شصت و نود
و نه شمسی جهت ثبت در تاریخ توسط خبرنگاران
صفحه‌ی برخی از هنرمندان مرقوم شد. والسلام

* دخترک نازنینم! فاطیما!

در نام‌ها خواندم که کلمه‌ی "شرمنده" را آموخته‌ای...

تنها لغتی است که من و ما و تاریخ در جواب نامه‌ی تو می‌توانیم بنویسیم و
فریاد بزنیم...

-"ما شرمنده‌ایم"

روزی کلمات "اختلاس" و "خصوصی‌سازی" و "ظلم" و "استبداد" را نیز خواهی
خواند. ای کاش آن روز این کلمات لای کتاب‌های مدفون باشند و در دنیای
زیبای تو و دیگر هم‌نسلان‌ات از آن مفاهیم اثری نباشد...

این روزهای صنعت کفش در ایران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بامحدودیت های اعمال شده تحریمی علیه ایران و بالا رفتن قیمت ارز و گران شدن مواد اولیه ، از سال گذشته در صنعت کفش ایران اتفاقاتی مطلوب و غیرمطلوب و گاهی ناخواسته اتفاق افتاده است:

۱- واردات کفش به دلیل بیماری کرونا قطع شده و به صرفه نبوده و در نتیجه کارگاههای بزرگ تولید کننده کفش فروش خوبی را برغم محدودیت های بیماری کرونا داشته اند. ۲- کارگاههای کوچک تولید کفش به دلیل نقد فروشی مواد اولیه شوربختانه از صحنه تولید ۹۰ درصد کنار زده شده اند و امکان رقابت با تولید کننده های بزرگ را ندارند. ۳- کلاهبرداری که بدون دستمایه وارد این صنف شده و پس از چندی با فروش اقلامی که خریداری کرده بودند و با دادن چک های بلا محل از بازار غیب می شدند، تقریباً از صحنه صنعت کفش در حال حذف شدن هستند. ۴- قیمت کفش به میزان ۵۰ درصد نسبت به اسفندماه سال گذشته گرانتر شده و توان مردم را برای خرید کمتر نموده است. ۵- دلالات وارد کننده کفش با بی ارزش شدن پول کشورمان به دنبال مسیرهای قاچاق این کالا هستند. ۶- کارگران کفاش در کارخانه هایی که از توان مالی خوبی برخوردارند، شبانه روز به تولید کفش مشغول بوده و از مزایای کارگری مصوب شده از جمله بیمه، عیدی، برخوردارند. ۷- با رونق بازار کفش، محصولات پتروشیمی کفش از جمله زیره، چسب گران تر شده و عرضه آن به صورت نقدی به دست دلالات این رشته افتاده و بخشی از وارد کنندگان را به این سو جلب نموده است. ۸- کارخانه های چرم سازی هم به تولید کفش یاری رسانده و هم با گران تر شدن دلار توان صادرات یافته اند. ۹- بازار کفش ایران این استعداد را دارد که صادر کننده کفش حتی به اروپا باشد هر چند هم اکنون به صورت بسیار محدود صادرات کفش ما به کشورهای حاشیه خلیج فارس، افغانستان، پاکستان، کشورهای شمال دریای خزر و عراق و بسیار کم، به ترکیه در حال عرضه است.

۸ صبح تا ۸ شب: ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان

زیرزمین آپارتمانی نوساز، سرامیک‌های کرم‌رنگ کف و دیوارها را پوشانده، هوا خنک است، پسرهای بزرگ به دیوار تکیه داده‌اند و پشت چرخ کار می‌کنند. صاحب‌کار با دست دو پسر بچه را نشان می‌دهد، دو زانو روی زمین نشسته‌اند، هر کدام کنار پای یکی از پسرهای خیاط، صدای یکنواختی پس‌زمینه می‌آید و قطع می‌شود. زیرزمین خالی است، بدون رنگ یا هر چیز اضافه‌تری از چرخ‌ها، لباس‌ها و کیسه‌های بزرگ سیاه، جز دو نورگیر نزدیک سقف، پنجره دیگری ندارد. امین قیچی در دست دانه‌دانه از دسته لباس پشت سرش برمی‌دارد، نخ‌گیری می‌کند و می‌گذارد روی دسته لباس‌های آماده. شومیزهای سفید با گل‌های سرخ، لباس‌های ارزان. امین شنبه تا چهارشنبه با برادرش از ساعت ۸ صبح تا ۸ شب در این کارگاه کار می‌کند، پنجشنبه‌ها هم از ۸ صبح تا ۵ عصر. غیر از یک ساعتی که هر روز ظهر از ساعت ۱۲ تا یک برای نهار وقت دارند به خانه بروند و برگردند، بقیه این ساعت‌ها در همین زیرزمین می‌گذرد. قبل از این، در تولیدی کفش کار می‌کرد که هم کارش سخت‌تر بود و هم پول درست نمی‌داد، حقوق ۵۰۰ هزار تومانی اینجا در مقابل روزی ۱۳ هزار تومان تولیدی کفش، بُرد بزرگی است. امین امتحان‌هایش را خوب داده، مدرسه که باز شود، نصف روز سرکار می‌آید و حقوقش کمتر می‌شود.

معصومه پرنلو، مربی بچه‌ها در خانه کودک انجمن یاری کودکان در معرض خطر است. می‌گوید گاهی مربی‌ها می‌توانند از صاحب‌کارها اجازه بگیرند که بچه‌ها صبح‌ها دو ساعت به انجمن بیایند و بعد بروند سرکار و حقوق‌شان هم کم نشود. بعضی قبول می‌کنند، بعضی هم می‌گویند نه باید از صبح تا شب کار کنند. آن موقع بچه‌ها فقط زمان تعطیلی می‌آیند انجمن سری می‌زنند.

شری نجفی، مدیر انجمن می‌گوید: «اگر بچه کمی ناتوان باشد، پول کمتری هم به او می‌دهند و آن‌قدر بیکاری و فقر زیاد است که کارفرما ترسی ندارد که به یک بچه ۲۰۰ هزار تومان حقوق بدهد. جایگزین بهتری نیست.» آنها فقط می‌توانند کمی شرایط کاری بچه‌ها را بهبود بدهند. مثلاً بچه‌ها به جای زباله‌گردی یا جمع‌کردن ضایعات در خیاطی کاری پیدا کنند: «در خانه کودک اوقاتی برای مورد توجه قرار گرفتن بچه‌ها، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی از آنها هست. کمک‌شان می‌کنیم لحظاتی از زندگی‌شان را

کودکی کنند، ولی از نظر اقتصادی حتی اگر بتوانیم چند مادر را توانمند کنیم که می‌کنیم، عملاً این چرخه فقر آن قدر گسترده است که باز هم کودک مجبور به کار است».

کودکی احمد دو ماه پیش تمام شد و به جای نگهداری از دو برادر کوچک‌ترش در خانه، او را فرستادند خیاطی پیش امین. پسرها و پدر کار می‌کنند تا اجاره خانه و خرج زندگی را بدهند. پدر امین و احمد بناست. پنج برادرند که سه تا از آنان سرکار می‌روند. مادرشان هم قبلاً در کارگاه خیاطی کار می‌کرد. احمد برای ۱۲ ساعت کار در روز، ماهی ۳۰۰ هزار تومان می‌گیرد: «مادرم گفت برو خودت سرکار، خودت برای خودت هرچی خواستی بگیر.» صاحب‌کار سر برج دستمزد بچه‌ها را در پاکتی تحویل‌شان می‌دهد، می‌برند خانه می‌دهند به پدر و مادرشان و هفته‌ای ۱۰ هزار تومان خرجی می‌گیرند و برای خودشان خوراکی می‌خرند. «به داداشم حقوق بیشتر میده، شاید چون بیشتر از من کار رو می‌فهمه.» پای خیاط پشت سر احمد روی پدال بالا و پایین می‌رود و امین و احمد فکر می‌کنند که دوست دارند جای او بنشینند. روی صندلی، نه روی سنگ‌ها و زیر پای بقیه کارگرها. دوست دارند وسطکاری تمام شود و خیاطی کنند. خیاط‌ها پسرهای هجده، نوزده ساله از بالای چرخ دو پسر بچه را نگاه می‌کنند، بی‌اینکه حسی در نگاه‌شان باشد، یا نگاه نمی‌کنند و فقط خیره شده‌اند و صدای آرام امین و احمد را نمی‌شنوند که رویاهایشان را می‌گویند، رویاها در همین زیرزمین تمام می‌شود، رویای خیاط شدن. صدای چرخ می‌آید و قطع می‌شود و یک دسته لباس می‌افتد کنار پای احمد. آنها گاهی با هم جمع می‌شوند و بعد از کار با توپی در دست در بن‌بست روبه‌روی کارگاه فوتبال بازی می‌کنند، قبل از بازگشت به خانه. احمد طرفدار تیم «ایران» است، فوتبالیست‌های بزرگ را نمی‌شناسد. صاحب‌کار «خوب» است، می‌گذارد گاهی پسر بچه‌ها پشت چرخ بنشینند و دور لباس‌ها را زیگزاک بزنند و گاهی که خسته می‌شوند، استراحت کنند. تنها صاحب کارگاهی است که اجازه داده بچه‌ها را توی کارگاه ببینیم. دسته لباس‌های نخ‌گیری‌شده را از کنار دست احمد برمی‌دارد و می‌رود. احمد دوست داشت هنوز در خانه‌شان که دو اتاق دارد، با برادرهایش می‌ماند. امسال برای این خانه ۱۱ میلیون رهن داده‌اند با ۲۰۰ تومان اجاره. پدرش هم می‌خواهد پول جمع کند ماشین بخرد. احمد کتاب فارسی را بیشتر از درس‌های دیگرش دوست دارد، با خجالت می‌گوید که فقط شعرهای کلاس اول را بلد است و در صدای متناوب چرخ‌های خیاطی صدای زیرش به زور شنیده می‌شود که می‌خواند: صد دانه یاقوت، دسته به دسته، با نظم و ترتیب یک جا نشسته، یاقوت‌ها را پیچیده در هم، در پوششی نرم پروردگارم.

فوتبالیست کوچولو

بر اثر ناراحتی قلبی برای چند روزی در بیمارستان بستری شدم. در اتاقی با دو تخت. بر روی آن یکی تخت، پسر بچه ی هفت ساله ای به علت نارسائی قلبی بستری است. مادرش به عنوان همراه، شبانه روز در کنارش نشسته بر صندلی می ماند. شب هنگام نیز سرش را بر تخت خواب پسرش تکیه داده، می خوابد. پسرک فوق العاده کم حرف است. ندرتن سخنی بر زبان می آورد، آنهم برای تقاضای خوردنی یا نوشیدنی یا اینکه از مادرش بخواهد وی را به دستشویی ببرد. بعدازظهرها پدرش به ملاقات می آید. بدون آنکه سخن خاصی برزبان آورد ساعتی مبهوت و در خود فرورفته بر و بر به آن دو می نگرد. بعضن نیز اندکی به آهستگی طوری که نه پسرش می شنود و نه من با زنش پچ پچه می کند و می رود. عصر روز سوم که پسر بچه در خواب است به آهستگی سخن را با زن می آغازم و جویای وضعیت بیماری فرزندش می شوم. می گوید: آزمایشات نشان داده سریع می بایست قلب او را عمل نمایند. چند روز است شوهرش که در مغازه ی شیشه بری شاگردی می کند خود را به هر دری زده ولی نتوانسته پول عمل جراحی را تامین نماید و مطلقن امیدی هم نیست که بتواند تهیه اش کند. با وجودیکه نظر راسخ پزشکان بر این است اگر فرزندشان به همین منوال بماند حداکثر دوماه زنده خواهد ماند ولی بالاخره از روی ناچاری و درماندگی تصمیم گرفته اند فردا با رضایت خودشان پسرشان را ترخیص کرده به منزل ببرند. با آهی فرو خورده که دنیایی درد ورنج از آن می باشد می گوید: هیچ چاره ای نیست..... فردا حوالی ساعت ده صبح شوهرش با سیمایی که در ته آن غم و خشم غیرقابل وصفی را می شد مشاهده کرد، به اتاق می آید و با حالتی غضبناک به زنش می گوید کار تمام است، باید بروند. سپس رو به فرزندش نموده پیشانی اش را بوسیده می گوید: پسرم دکتر گفته اگر دو ماهی در خانه استراحت نمایی خوب خواهی شد. برویم زن و شوهر وسایل فرزندشان را جمع کرده از اتاق که می خواهند بروند، پسر سوار بر کول پدر خطاب به وی می گوید: بابا چون یادت نرود قول داده ای وقتی خوب شدم برایم توپ لاستیکی خواهی خرید. خودت می دانی من آرزو دارم وقتی بزرگ شدم فوتبالیست شوم. پدر با بغضی فرو خورده و صدایی دو رگه که انگار از ته چاه می آید، می گوید: حتما، پسرم خواهم خرید مگر امکان دارد از یادم برود. مطمئن هم هستم به آرزویت خواهی رسید.

زن وشوهر با تکان دادن سر و پسر بچه با نگاهی شیطننت بار و خوشحال از اینکه صاحب توپ خواهد شد از من خداحافظی کرده بسوی درب خروجی رفتند....

صادق شکیب

چندنکته

۱- جوان بود قوی هیکل ورزشکار بازوهایش کلفت و توانمند. سینه ستبر. روی صورتش جای دو خط زخم بود احتمالاً حاصل دعوا و یا زمین خوردن با موتور. به قول خودش با چهار نفر از بچه محلهایش روی جدول جوی خیابان نشسته بود. بچه محلهایش چهار کودک کار بودند. برای هریک از کودکان کار، یک ساندویچ خریده بود برای خودش هم یکی. در مجموع برای هر پنج نفر یک نوشابه خانواده خریده بود. با هم میخورند گفتم: «اوستا دمت گرم خیر از جوانیت ببینی» می گوید: «حاجی ما از عالم و آدم زورگیری می کنیم ولی زورمان به این بچه ها نمیرسد مجبوریم حرفشان را گوش کنیم ساندویچها ملات چندانی ندارند ولی خب شکمو صاحب مرده را سیر میکنم» قضاوت با شما

۲- سن و سال چندانی نداشت روی نیمکت پارک نشسته بود با گوشی موبایلش مشغول بود صحبت سر فراهم کردن غذا برای حیوانات آزاد شروع شد می گفت فوق دیپلم دارم در کارخانه کار می کردم راضی بودم در یک طبقه منزل پدرم با همسرم زندگی می کردم اخراج شدم با اندک پس اندازی که داشتم با کمک پدرم مغازه کوچکی اجاره کردم کار و کاسبی جمع وجوری راه انداختم ولی نه تنها چیزی گیرم نیامد بلکه هرآنچه که خودم داشتم و پدرم کمک کرده بود از دست رفت. کسبه گرگ شده اند تازه وارد با پول کم را می درند مرا دریدند. زندان افتادم با همت پدر و پدر همسر از زندان آزاد شدم در حال حاضر همسرم با خانواده اش زندگی می کند منهم سر سفره پدرم می نشینم. همه چیزم را از دست داده ام کار و فعالیت. چه حقوق بگیرم و چه آزاد هیچ فایده ای نداری در هر حال بازنده ای من که باختم. در حال حاضر سربار پدر بازنشسته ام هستم. دستم به کاری نمی رود می ترسم از همه می ترسم اصلاً زندگی دیگر فایده ای ندارد. به یاد این شعر مرحوم فریدون فروغی می افتم: «دیگه این قوزک پا یاری رفتن نداره» مطیعی کارگر فلزکار

شعور



دیروز مطمئن شدم که ماسک زدن خیلی ام ربطی به شعور نداره...

سر ظهر بود و ظل گرما، تو تاکسی که سه نفر رو بیشتر سوار نمی کنه، نشسته بودم، آقای هم بیرون تاکسی ایستاده بود، دیرم شده بود، به راننده گفتم: «بگو سوار بشه تا بریم دیگه» گفت: «ماسک نزده، سوارش نمی کنم» بعد اضافه کرد: «خیلی وقته وایستاده، بدون ماسک کسی سوارش نمی کنه، اتوبوس هم نیست»! تو کیفم ماسک اضافه داشتم، بهش دادم و سوار شد.

کلی تشکر کرد و همش خودشو گوشه ی تاکسی جمع می کرد تا فاصله رو بیشتر رعایت کرده باشه، سر صحبت رو باز کردم و گفتم: «اگه ماسک بزنین خودتون سلامت می مونین» گفت: «کارگرم، هزینه ی زندگی نمی رسه که بخوام ماسک و اسپری ضدعفونی هم بخرم» بعد به یه روسری که دور گردنش بود اشاره کرد و گفت: «همینو می زنم، هر شب هم می شورمشم» گفتم: «خوب به خانمت بگو از همین روسری برات ماسک درست کنه!» با تعجب گفت: «مگه می شه؟ چجوری؟»

تو دلم گفتم اینهمه کلیپ تو فضای مجازی که طرز تهیه ی ماسک رو آموزش داده، یعنی به اینها هم دسترسی نداره، بعد من براش نسخه ی بی فرهنگی و بی شعوری می پیچم! با دستمال و نایلونی که همراهم بود، طرز درست کردن ماسک رو بهش یاد دادم، خیلی دقت کرد و خودش هم امتحان کرد تا مطمئن بشه یاد گرفته. نزدیکای میدون، پولشو در آورد و به راننده گفت: «کرایه ی این آجی رو من حساب می کنم» شوکه شدم، گفتم: «دلیلی نداره که شما کرایه ی منو حساب کنین» گفت: «درسته انسانیت شما رو نمی شه با کرایه ماشین جبران کرد، ولی من بیشتر از نیم ساعت زیر آفتاب وایستاده بودم، خیلی ها فهمیدن که به خاطر ماسک کسی سوارم نمی کنه، شاید ماسک اضافی داشتن،

اما به خاطر قیافه و ظاهرم بهم ندادن، تنها کاری که می‌تونم براتون بکنم، دعا کردن و حساب کردن کرایتونه»

خلاصه از او اصرار و از من انکار که تیر خلاص رو راننده زد که: «کرایه ی هر کسی رو از خودش می‌گیرم»

وقتی پیاده شدم دلم سوخت، شاید پول ماسک برای من پول خرد بود، اما برای خیلی‌ها بار اضافه است، شرمنده بودم از قضاوت زود هنگامم و خوشحال از این که ماسک اضافی داشتم.

شاید محبت این روزهامون، دادن ماسک به افراد بدون ماسک و دو تا پیس کوچک، اسپری ضد عفونی کف دستاشون باشه...



پیرمرد روستایی و گاوهایش در حال استراحت ظهرگاهی پس از کار طاقت فرسا.

مرد دهقان خسته، گاوها خسته، زمین تشنه و خشک، و بدتر از همه فشار زندگی بر روی گرده‌های خسته.



نان ات را می‌دزدند

سپس تکه‌ای از آن به تو می‌دهند

آن گاه امر می‌کنند

که برای این سخاوت‌شان

از آن‌ها تشکر کنی

امان از این وقاحت‌شان!!!

«غسان کنفانی»، شاعر و مبارز فلسطینی

تصویر: کودک سیستانی

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی!



روزی در یک دهکده کوچک، معلم مدرسه از دانش‌آموزان سال اول خود خواست تا تصویری از چیزی که خیلی دوست دارند، نقاشی کنند. او با خود فکر کرد که این بچه‌های فقیر حتماً تصاویر بوقلمون و میز پر غذا را نقاشی خواهند کرد. ولی وقتی یکی از دانش‌آموزان نقاشی ساده کودکانه خود را تحویل داد، معلم شوکه شد. او تصویر یک دست را کشیده بود، ولی این دست چه کسی بود؟

بچه‌های کلاس هم مانند معلم از این نقاشی مبهم تعجب کردند. یکی از بچه‌ها گفت: «من فکر می‌کنم این دست خداست که به ما غذا می‌رساند.» یکی دیگر گفت: «شاید این دست کشاورزی است که گندم می‌کارد و بوقلمون‌ها را پرورش می‌دهد.» هر کس نظری می‌داد تا این که معلم بالای سر پسر رفت و از او پرسید: «این دست چه کسی است؟» پسر در حالی که خجالت می‌کشید، آهسته جواب داد: «خاتم معلم، این دست شماست.»

معلم به یاد آورد از وقتی که این دانش‌آموز پدر و مادرش را از دست داده بود، به بهانه‌های مختلف نزد او می‌آمد تا خاتم معلم دست نوازشی بر سر او بگذارد.

دانستنی های سندیکایی نوشته حسین سمنانی

توضیحاتی درباره تبلیغات سندیکایی :

❖ در واقع، حدود ۸۰ درصد از تلاشی که منجر به تحقق هدف های یک گروه، سازمان یا موسسه در ارائه نظریاتش می شود، از طریق تبلیغات صورت می گیرد. به لحاظ اهمیتی که تبلیغات در این موفقیت ها دارد، لازم است درباره ی آن توضیحات مشروحاتی ارائه کنیم :

تبلیغات عبارت است از بیان نظریات شخص، گروه یا طبقه ای از جامعه به شیوه ای هدفمند و در سطح وسیع، اگر هدف اظهار کننده هماهنگ ساختن و تجهیز مردم یا افراد مشترک المنافع در راه پیشرفت و ترقی کشور باشد و خیر و صلاح اکثریت مردم در آن منظور شده باشد و خود اظهار کننده نیز به آنچه می گوید عمل کند، آن گاه تبلیغات صحیح و موثر و مفید خواهد بود. هر فرد و طبقه ای که می خواهد زندگی کند، نمی تواند تنها و یک تنه همه کارها را برای تامین زندگی خود انجام دهد؛ بلکه لازم است هدف های خود را با جامعه ای که در آن زندگی می کند در آمیزد، زیرا حیات اجتماعی بستگی به کار همگانی افراد آن دارد و تمدن نمودار عالی ترین کار و تعاون دسته جمعی است. در اجتماعی که مردم سود خویش را در ترقی و پیشرفت و بهبود زندگی سایرین ندانند و با یکدیگر مبادله و مساعدت های معنوی نداشته باشند، تجاوز و توحش به جای تعاون و برادری حکومت خواهد کرد و بر این اساس جامعه - چه اقتصادی و چه معنوی - به طرف تلاشی و انقراض خواهد گرفت. پس کسانی که به سرنوشت جامعه و کمال و ترقی آن فکر می کنند باید کار تبلیغات را در جهت خیر و صلاح مردم و بر ضد هرگونه تعدی و خودپرستی پیش ببرند؛ در این صورت نیازی به هیچ گونه دروغ سازی و تقلب نخواهد بود و تبلیغات در کمال سربلندی و افتخار انجام می گیرد.

اهمیت تقویت جنبش کارگری و سندیکایی (۲)

پاره‌ای از اقدام‌های به‌ظاهر "رادیکال" که از سوی محافل معین و گاه ناشناخته صورت می‌پذیرد و بحث‌هایی که این محافل می‌کوشند در سطح جنبش سندیکایی رواج دهند به‌شدت زیان‌بخش، تفرقه‌افکنانه و مغایر با اصل وحدت در مبارزات سندیکایی است. عناصر ضد کارگری با پوشش‌های گوناگون کوشیده و می‌کوشند جنبش کارگری و سندیکایی را با ایجاد بحث‌های انحرافی و اقدام‌های زود هنگام یا نابهنگام مهار و کنترل کنند و مانع از خروج جنبش کارگری از حالت تدافعی شوند. بحث‌ها در زمینه وظیفه و برنامه سندیکاهای کارگری باید با هدف تقویت بنیه جنبش کارگری - سندیکایی، برای ارائه راهکار صحیح و موثر به منظور تامین منافع توده‌های کارگر و مخالفت با برنامه‌های ضدکارگری سازمان یابی شود.

در مسئله تامین وحدت صف‌های جنبش سندیکایی، رشد آگاهی طبقاتی توده‌های کارگر اهمیت اساسی دارد. هیچ تشکل دیگری نمی‌تواند جایگزین تشکل سندیکایی در مبارزه‌ی صنفی زحمتکشان باشد. ما بار دیگر بر این نکته تاکید می‌کنیم، وجود یک سازمان سندیکایی نیرومند، مردمی و متشکل که درهائش بروی همه کارگران و زحمتکشان در شهر و روستا باز باشد، یک ضرورت است.

در مرحله حساس کنونی برای مقابله با سیاست های ضدکارگری، جنبش کارگری و سندیکایی باید از هر نظر به تقویت خود پرداخته و آمادگی ایفای نقش موثر در تحول‌های صحنه سیاسی در راستای پیوند با جنبش سراسری میهنمان بویژه علیه مداخله‌های امپریالیسم آمادگی داشته‌باشد.

سندیکا سنگر زحمتکشان!

گام نخست برای تأمین خواست ترمیم و افزایش مزد در اوضاع کنونی، مبارزه همه‌جانبه و خستگی‌ناپذیر با استفاده از همه گونه امکانات و روزنه‌ها برای احیای حقوق سندیکایی است. در صورت فعالیت و مبارزه سندیکاهای واقعی می‌توان نیروی اجتماعی مؤثر زحمتکشان را به شکل سازمان یافته و متحد برای تحقق این خواست و دیگر خواسته‌های به حق به میدان کشانیده، و سرمایه داران حاکم را به چالش طلبید.

نباید گذاشت به شکل‌هایی مختلف و در پوشش‌هایی به ظاهر "کارگری" و "مردمی"، نیروی جنبش کارگری- سندیکایی دچار تفرقه شده و در بحث‌های بی‌سرانجام در خصوص نوع تشکلهای کارگری و عوام‌فریبی‌هایی نظیر "سندیکا رفرمیستی" است و باید نهاد دیگری جایگزین آن شود، گرفتار گردید. در خصوص اهمیت سندیکا در مقام سازمان پایه طبقاتی زحمتکشان باید تأکید کرد. احیا و ایجاد سندیکاها و احیای حقوق سندیکایی در اولویت قرار دارد. تشکیل هر نهاد دیگری نباید و نمی‌تواند با این خواست بنیادین در تضاد قرار گیرد. فراموش نکنیم که در اوایل انقلاب بحث‌های انحرافی سبب پراکندگی در صف‌های جنبش کارگری- سندیکایی شد و از این طریق سرمایه داری توانست به راحتی جنبش را سرکوب و منافع طبقه کارگر را پایمال سازد. به هر روی، با تمام توان جهت اتحاد عمل و پرهیز از تفرقه باید حرکت کرد.

ماسک بزنیم!

از بیمارستانها خبر می‌رسد. تخت‌ها پر شده و آی سی یو خالی ندارند. بیماران را برای بستری در آی سی یو اولویت بندی می‌کنند. جوانها در اولویت هستند. هر روز چند پرستار کرونایی می‌شوند. همکاران باید جورشان را بکشند، با شیفت‌های طولانی و بدون مرخصی. دو پرستار مراقب ۲۰ بیمار کرونا. #هموطنم_را_دوست_دارم

درسنامه (۳)

◆ قوانین خاص:

✦ ایران دارای موقعیت حساس جغرافیایی (ژئوپلیتیک) است. گذرگاهی است دیرینه بین تمدن شرق و غرب، شمال و جنوب. با تعقیب یک سیاست خارجی خردمندانه و مردمی و از لحاظ علمی سنجیده، حیثیت ایران در منطقه نه بر اساس گزاف گویی های کودکانه و قوم گرایی بلکه براساس استقلال و دموکراسی و یک سیاست خارجی صلح آمیز انسانی و متین که ایران را سکوی تعادل در منطقه کند، برنامه ریزی کرد. تا مورد احترام و نه ترس و اعتماد همسایگان خود شده و آتش افروز منطقه نباشد. نئولیبرالیسم از این وجه جغرافیایی ما در منطقه آگاه است و تلاش دارد موقعیت حساس جغرافیایی ایران را به موضوعی قابل خرید و فروش تبدیل کند و غارتگران ثروت ملی کشورها را با فروش اسلحه به منطقه خاورمیانه وارد کرده تشنج و جنگ افروزی را به کشورهای نفت خیز تحمیل کند.

جنگ ایران عراق، جنگ کویت، حمله به عراق توسط آمریکا، جنگ سوریه، ساخت داعش، جنگ یمن همگی به دلیل موقعیت حساس جغرافیایی خاورمیانه و ایران است. تا پای ایران و کشورهای منطقه همیشه در آتش جنگ بوده و خرید اسلحه تمامی نداشته باشد.

در کشور ما ملیت های گوناگونی هزاران سال به سر برده و در اتحاد با هم کشوری به نام ایران را بوجود آورده اند. نئولیبرالیسم برای سلطه اقتصادی و سیاسی بر ما، سیاست تبعیض آمیز زبانی، نژادی، برنامه ای حساب شده تدارک دیده است. برای خنثی سازی این توطئه نباید اجازه داد که یک خلق به اتکا برخی امتیازات از جهت فرهنگی، اداری و اقتصادی بر دیگر خلقها ستم کند و حق خود سرنوشتی آنها را پایمال کند. ایران باید برای هرچه همبسته تر

شدن در مقابل نقشه های تفرقه افکنانه و جدایی طلبانه به صورت فدراسیونی از خلق های دوست و برادر خودمختار باشد. تمامیت ارضی ما با ادامه سیاست های کنونی در خطر است. بدون تامین خودسرپرستی خلقهای ساکن ایران دموکراسی در کشور ما شکل نخواهد گرفت. همین امر درباره برابری کامل حقوق اجتماعی، سیاسی، مدنی زنان سرزمین مان با مردان در همه عرصه ها صادق است و حیاتی.

از دوران قاجاریه تاکنون استعمار و اکنون نئولیبرالیسم ما را در جاده غلط وابستگی انداخته است. چه به لحاظ تکنولوژی، مدیریت مواد خام و تبدیل آنها به شکلی نوین و حتا بازار فروش و موضوعات ارضی، دستان تمان زیر سنگ انحصارهای چندملیتی است. با یک تشر تحریم به حال روز امروزی درمانده شویم که با بالا و پایین کردن بورس، تورم و بحران های خود بویژه پس از کرونا که به کشورهایی چون ما وارد خواهند کرد، ما را در چنبره بحرانهای رنگ و وارنگ اسیر کنند و با همدستی نوکیسه های وطنی همچنان وابسته نگه مان دارند. اما می توان و باید با یک برنامه ریزی حساب شده و دراز مدت با توسل به قوانین اساسی اصول ۴۳ و ۴۴ به سالم سازی اقتصادمان دست بزنیم. ما خواستار خودکفایی در آنچه تولید می کنیم همچون نفت و فرآورده هایش هستیم اما خواستار قطع رابطه با غرب سرمایه دار نیستیم، ولی خواستار رفع مزاحمت های سرخرهای دزد و راهزنان اقتصادمان هستیم. ما خواستار استقرار روابط با غربیم اما نه بر مبنای درهای باز به شیوه نئولیبرالیسم و تسلیم در برابر برنامه های خانه خراب کن شان. بلکه بر پایه حقوق برابر. و همچنین خواستار استفاده از همه امکانات اقتصاد جهانی می باشیم.



آقای رئیس جمهور، آقای وزیر بهداشت

گفتید رعایت کنیم تا کرونا نگیریم

من فقط پولم به دستکش رسید، ماسک نتونستم بخرم

«ماسک را رایگان کنید»



وقتی که با تو به رقص برمی خیزم

پاهایم سنبله های گندم می شوند

و گیسوانم

سعاد الصباح

طولانی ترین رودخانه جهان!